

کتابخانه ملی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

Iranische Bibliothek in Hannover

کتابخانه ملی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

ایمان گاه

کریکایران
روزنامه تکیشان
بهک گرن

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

دوره جدید سال سوم - شماره ۲۵ آبان ۱۳۶۲ بهاء ۵۰ ریال

گزارش هیات
اعزامی به اورامان

پیرامون
زمینه ها، علل و چگونگی
درگیری اخیر حزب دمکرات و کومه له
صفحه ۲

سرویس تازه

نگاهی به
گزارش هیات اعزامی
و نتایج آن

گزارش هیات اعزامی به اورامان که در همین شماره ریگای گل برای اطلاع عموم درج گردیده است، علاوه بر آن که پرده از واقعیت های تلخ و فاجعه بار در مسیر خونین این درگیری و در ضامبات فیما بین حزب دمکرات و کومه له بر میدارد، قیل از همه ناشران زبانار میاست های حزب دمکرات و کومه له و شیوه برخورد آنها با مسائل جنبش را هر چه بیشتر آشکار می سازد. سیاستهایی که نقابهای درگیری اورامان نتیجه مستقیم آنهاست. در صفحه ۲

بمناسبت
۲۲ ریه ندان
سالروز تاسیس جمهوری خودمختار کردستان
صفحه ۱۸

بسی تشکیل حزب طبقه کارگر
علیه بسی حزبی
(قسمت دوم)

را به شابه بیشتر شرطا هر حزب کمونیستس معرفی کرده و عامل حیات و ادامه آری آن به حساب می آورد. (۱)
ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر برخلاف تمام ادعاهای پوشالی کومه له نه تنها ناشی از پیوند سوسیالیسم با جنبش جهانی طبقه کارگر، بلکه مستلزم رشد و شکوفائی مبارزه طبقاتی و پاسخ به ضرورت و نیاز طبقاتی پرولتاریا در جریان این مبارزه طبقاتی است.
رشد مبارزه طبقاتی در سالهای اخیر و نفوذ عمیقی کمونیسم در میان طبقه کارگر به ویژه در نتیجه فعالیت دایمی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در صفحه ۱۹

۲- بنام حزب،
علیه حزبیت

حزب کمونیست محمول در هم آمیزی و تلفیق سوسیالیسم و جنبش طبقه کارگر است. تلفیق سوسیالیسم و جنبش طبقه کارگر در همه کشورها به طور یکسان و به شیوه منحصر به فرد صورت نمی گیرد. ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر در هر کشور جز در شرایط تاریخی معین و بدون وجود زمینه های این در هم آمیزی تصور نیست. کومه له بدون این که به این مسئله پاسخ مشخص بدهد، با حذی عنصر آگاه از بحثهای ما فقط روی جنبش طبقه کارگر تأکید نموده و به این تعریف آشکار دست زده است که ریگای گل وجود جنبش های خود به خودی

☆ اخباری از
جنبش مقاومت
توده های
صفحه ۲۸

هه موو میلله تیک مافی دیاری گردنی چاره نویسی خوی هه پیه

نگاهی به ...

از صفحه ۱

شکی نیست که جنایت انجام شده در طول این درگیری همیون اقدام اسرا و سوزاندن اجماع نهاد را غیره همه اموری هستند که نفرت و انزجار نه تنها نیروهای انقلابی بلکه هر فرد عادی را نیز برمی انگیزد و ثابت نبخشید در این گونه برخوردها تنها به هیچ وجه و طریقی قابل توجیه از سوی هیچ کسی و هیچ نیرویی نبوده و نمی تواند باشد و هیچ نیرویی و هیچ کسی نمی تواند از آن دفاع نماید. و حزب دمکرات کردستان ایران نیز باید در مقابل جنبش انقلابی ایران و جهان پانزگوی چینیکن صائلی باشد.

اما آنچه که بین از همه باید به آن پرداخت و ابعاد فاجعه اروامان محصول ناگزیر سیر پرشتاب آن است، سیاست و سیاستهایی است که در روند عمومی حرکت خود، نهایتاً هر از چندگاهی، به چنین شیوه هایی بیان عملی می یابند. سیاستهایی که امکان نه تنها درگیری صلحانه، بلکه کشتار بیرحمانه را نیز در هر ابعاد و مقیاسی و در اطاقه منطقسی خود، به وجود می آورند. و حزب دمکرات کردستان باید بداند که ترجمه همه آخرین پلنوم او به زبان تشکیلات اروامان چیزی جز اینست نمیتوانست باشد و چه بسا در بسیاری نقاط دیگر اگر مسئولان با صاف برخورد نشود، بدتر از این نیز بوده و منجر به درگیریها و کشتارهای بسیار وسیعتری گردد. بدیهی است که راه جلوگیری از درگیری تهدید به درگیریهای وسیع تر نیست. بلکه ارائه راه حلی اصولی برای پایان دادن به آن به شیوه مسئولانه و از نقطه نظر منافع عمومی جنبش انقلابی است و نه عرض انداچهای تهدید آمیز گروهی. و اگر حزب دمکرات امروز واقعا ادامه چنین برخوردی با صائل را به سیاست عملی خود در قبال

کومه له بدل ساخته است، جنبش باید منتظر بسیاری اتفاقات دیگر و بدتر و فاجعه بارتر از این نیز باشد. اگر حزب دمکرات جز این فکری کند در عطف می باید همین امروز با اقدام قاطعانه در این زمینه، گامهایی اساسی در تصحیح سیاستهای خود را بردارد.

البته گونه له تشویر طول سالهای گذشته و با سیاست های مکتورستی خود نه تنها امکان چنین درگیری هایی را بوجود آورده است، بلکه با ادامه این سیاست مانع از ایجاد امکانات جلوگیری از تکرار چنین درگیری هایی شده است و در ادامه ضمیمت موجود نظریات، افکار و مبسوس داشته است. نباید فراموش کرد که کومه له هیچگاه بهره سال گذشته و بعد از درگیری کومه له پای برخورد مسئولانه با چنین فجایعی نرفته است و عملاً در راه رسیدن به هر گونه راه حلی نیز گشته و هیچگاه تا به امروز نه تنها به طمع بودن ادامه چنین روشهایی، اذعان نکرده است. بلکه از گردن نهادن به هرگونه راه حلی نیز طفره رفته است.

کومه له امروز نیز با استفاده از وضعیت بوجود آمده، اینسک آنچه را که تاکنون در لفافه می گفت، علناً به موضع رسمی خود بدل ساخته است و اخیراً وضعیت بحرانی کنونی را به شیوه خود تشویر و در صیبری خود بخودی کانالیزه نموده است. کومه له اگر تا دیروز سیاست خود را در قبال این درگیریها، با موضع رسمی دفاع از دمکراسی انقلابی در جنبش خلق کرد تشویر می نمود، امروز علناً با الحاد بازه حاد بین پروتاریا و سوزوازی در کردستان و ارزیابی نمودن درگیری اخیر بعنوان انعکاس جنبش مبارزهای، و شاخ و شاخه کشیدن های بر طول و تفصیل متج از افاضات تشویر خود، بدون درن موقعیت کنونی جنبش انقلابی خلق کرد و روند عمومی مبارزه طبقاتی درونی آن، عطا و نظرا بر گسترش آتس درگیریهای خود با حزب دمکرات صحه گذاشته است. کومه له با استفاده از فجایع اروامان، عنان گسیخته آن چنان

بین تاخته است که درگیری با حزب دمکرات را تا حد یک وظیفه صرم ارتقا داده است و به جای ارائه راه حل برای صدور ساختن مجاری گسترش آتس آن، طرق و حیل های جدیدی را نیز فسخ راه نیروهای خود باز گشوده است. طبیعی است وقتی که ضرورت تداوم چنین درگیری هایی به عنوان یک سیاست عملی از سوی رهبری کومه له تشویر گشته و در همان نیروی کومه له اشکافه یابد و انتقام کسی های غیر مسئولانه با حیل های تشویرک بعنوان رهنمود ارائه گردد، باید جنبش انقلابی خلق کرد منتظر فجایعی به مراتب گسترده تر از فاجعه اروامان بوده و این بار محصولات رنگارنگ قهر و غضب ضادینان به اصطلاح دمکراسی انقلابی و مارکسیسم انقلابی را در این یا آن گونه شاهد و ناظر باشد، مسلماً کومه له با چنین تکراری به صاله به بن بست رابطه دو نیرو و هرچه بیشتر دامن زده است. بن بست کنونی که اینک به حادثه ترین شکل خود در برخوردهای طرفین منعکس است.

بگذار بگوئیم که بن بست کنونی در رابطه بین دو نیرو بیش از این که از شدت و حدت این یا آن درگیری و ابعاد آن نشات گیرد، قبل از همه و پیش از همه ریشه در سیاست های هر دو نیرو دارد. و تنها راه درهم شکستن بن بست موجود، نقی عطفی و نظری چنین سیاستهایی در تمامی وجوه خود و از طریق اقدامات عاجل، قاطع و عملی در همین امروز است و گرنه فرود بسیار دیر خواهد بود و در این میانه آنچه که بینترین نظرات را تحمل خواهد گشت صلا (علاوه بر هر دو نیرو به تناسب حال و وضع و امکانات خود، جنبش انقلابی نه تنها خلق کرد، بلکه خلقهای سراسر ایران خواهد بود. امری که حزب دمکرات و کومه له عیلا و نظرا هیچگونه اشتغالی به آن نداشته و ندارند.



گزارش هیات اعزامی به اورامان

پیرامون زمین‌ها، عمل و چگونگی درگیری اخیر حزب دمکرات و کومه له

تحقیقات ارائه شده از سوی آن را، گامی در جهت سرخورد فعال نیروهای انقلابی باستانی از قبیل این تونسله در کمریها و جلوگیری از ادامه آنها با چنین شیوه‌هایی تلقی می‌کنیم که امیدواریم، انتشار این گزارش نه تنها گوشه‌هایی از واقعیت درونی رابطه این دو نیرو در منطقه از یک سو و واقعیت رسیدار اورامان از سوی دیگر را برای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و نیروهای انقلابی ایران و جهان باز نموده و روشن سازد، بلکه راهنمایی برای جلوگیری از هرگونه حوادثی از این قبیل در آینده گردد.

البته لازم به تذکر است که بنا به صالح جنبش از هیچ کامل و جز به جز گزارش هیات خودداری نموده و تنها به انتشار خلاصه‌ای از آن اکتفا می‌کنیم.



داریم که ضایع حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد و ضرورت پیشبرد هرچه قدرت ضد ساززه کنونی نه تنها از تک تک این نیروها بلکه از کلیه کسانی که در ساززه جاری نقش و جایگاهی دارند، انتظارات صریح و روشن و معینی دارد که اهم آنها حرکت در جهت ایجاد انجمن و هماهنگی در صفوف آن تشکیل می‌دهد که صلاحا انجام آن از کاتال جنبش درگیری‌هایی امکانپذیر نخواهد بود. و اگر تصدی در فعال ضایع اساسی جنبش احاطه می‌گردد، صلاحا راه انجام آن از رهگذر تن سیردن به چنین حوادث نوم و فیسر - مشولانه ای نمی‌گذرد. جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان نه تنها خلق کرد بلکه سراسر ایران نباید ونی‌توانند نسبت به چنین حوادثی بی‌تفاوت باشند.

لذا، ما انتشار گزارش هیات اعزامی به اورامان و تالیف

اطلاع داشته باشیم خواستار چنین ملاقاتی برای تبادل نظر ضروری شد.

و از آنجا که بعد از اطلاع اقدامات مشترک طرفین، به ادامه برخورد های گذشته هر دو نیرو با ساله و عدم برخورد ریشه ای آنها در این زمیند واقف گشت تصمیم به اعزام هیات منقلسی به منطقه گرفته و انجام این کار را بمنوان یک اقدام عاجل در جهت انجام وظیفه خود در فعال جنبش تلقی نمود.

همانطور که طی همان نامه مزبور به هر دو نیرو تذکر گردیده است: "معلمه و شدن چنین درگیری‌هایی در شرایط کنونی با هر انگیزه ای و از سوی هر نیروی قطعا جز در خدمت به ضایع ضد انقلاب و ضربه زدن به جنبش انقلابی ایران عسوما و جنبش انقلابی خلق کرد خصصا نبوده و نیست.

ما عمقا اعتقاد

بدنیال انتشار خبر درگیری اخیر حزب دمکرات و کومه له در اورامان، کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تاریخ ۶۳/۹/۶ طی نامه مشترکی به دستورحیاسی حزب دمکرات کردستان و کمیته مرکزی کومه له، خواستار نشت یا طرفین برای کسب اطلاعات هر چه بیشتر و نیز قرارگرفتن در جریان دقیق نظرات طرفین گردیده، اعلام داشت که اگرچه ما راه حل واقعی و قطعی پایان دادن به چنین خصایصات و نیز آگان اجتناب از چنین درگیریهای زیانباری را همان راه حل پیشنهادی خود جنسی بر تشکیل کمیسیون تحقیق و بررسی از سوی نیروهای انقلابی مورد توافق طرفین و ضرورت اعزام به آن از سوی هر دو نیروی دانیم با این همه به رغم عدم امکان تحقق راه‌حلی که همواره بر آن استوار فشرده ایم، از آنجا که جنبش انقلابی باید از کم و کیف این درگیری

تقدمه

وضعیت عمومی منطقه ضفته مورد نظر یعنی اورامان که محل درگیری پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در بیست و پنجم آبان طه برده به بخشی از اورامانات اطلاق می‌گردد که هم‌اکنون آزاد بوده و تحت کنترل پیشمرگه است. این منطقه بسیار محدود

بوده و از سمت و جمعیت زیادی برخوردار نیست و کلا منطقه‌ای را در برمی‌گیرد که از چهار طرف بین پایگاههای ایران و عراق محاصره گشته است و از طریق همین پایگاهها نیز منطقه ضام زیر آتش تیغانه طرفین مذکور قرار دارد و در طول چند سال گذشته مردم منطقه بیشترین آسیب جانی و مالی را از این رهگذر تحمل گشته‌اند.

مردم این منطقه علیرغم وضعیت نامیدمان آن چه بدلیل این که در تیررس پایگاههای دو طرف



قرار دارند و چه بدلیل این که عملاً امکان رفت و آمد آزادانه به هیچ کدام از ضائق تحت کنترل پایگاههای ایران و عراق را ندارند، دچار مشکلات ضاعفی در زمینه های مختلف از جمله از جهت فروش محصولات خود و تهیه مايعحتاج اولیه زندگی بسوده و هستند.

زندگی اکثریت مردم منطقه از طریق تولید محصولات کشاورزی و فروش آنها از قبیل عمده‌نسا، الود، گرده، انگور و صغز (بنیشت به زبان محلی) و غیره می‌گذرد که در چند سال گذشته، خود فروش همین چند قلم محصول کم درآمد و تهیه وسائل زندگی بخور و نصیر به دلیل محاصره اقتصادی و نظامی کامل منطقه شکر بزرگ، اهالی بسوده و هست. این کار اغلب یا از طریق راههای قاچاق و غیره صورت می‌گیرد که خود خالی از خطر نبوده و نیست و یا از طریق عرضه محصولات یاد شده به قیمت نازل به کسانی که بعنوان واسطه عمل می‌کنند و تحویل اجناس مورد نیاز در مقابل، باز هم از همان اشخاص به قیمتی به مراتب گرانتر صورت گرفته و می‌گیرد.

بطور خلاصه آنچه که در مورد وضعیت منطقه مورد نظر و وضعیت مردم آن می‌توان گفت در مجموع علی‌رغم آزاد بودن اوراطان این منطقه بیشتر به یک اردوگاه، با وضعی کم و بیش زیاد شبیه است، با این تفاوت که مردم آن هر لحظه در معرض تهدید توپ و خمپاره و گلوله باران پایگاههای ایران و عراق قرار دارند و ضمن به سر بردن در فقر مزمن، از سطح زندگی و رشد اقتصادی، اجتماعي بسیار نازلی برخوردارند و عمدتاً روابط عقب‌مانده و سنت‌های عشیرتی بر زندگی آنها حاکم است و از سطح آگاهی بسیار پائینی برخوردار هستند. و مدت مدیدی است (بعد از شروع جنگ ایران و عراق) که دنیای آنها تنها به شهر نسود و چند آبادی صران و نیمه ایران منطقه محدود گشته است. آنها هیچگونه اطلاعی از اقوام و آشنایان خود که به خارج از منطقه کوچ کرده‌اند ندارند. مردم منطقه نه تنها از نظر فرهنگی بلکه در تمام زمینه‌ها نیز در همان وضعیت قبلی باقی مانده‌اند و هیچ گونه نشانه‌ای از رشد فرهنگی در میان نبوده و مردم شدیداً مذهبی و درگیر

روابط و ضامبات حاکم بر تمامی حرمه های زندگی فقیرانه‌شان هستند. از نظر سیاسی اگرچه همانند سایر مناطق عقب‌مانده با برخی واژه‌ها از قبیل دمکراسی، خودمختاری و کسوتیم و... تا حدودی آشنائی دارند ولی درک روشنی از آنها ندارند. در مجموع می‌توان گفت منطقه اگرچه در طول دوران بعد از قیام آزاد محسوب می‌گردیده، از نظر سیاسی رشد چندانی نکرده است.

قبل از شروع جنگ ایران و عراق و در فاصله ای که یک بار در کوران این جنگ خانمانسوز و ارتعاشی این منطقه بین نیروهای دولتی ایران و عراق دست به دست گردید، حزب دمکرات و کومه له هر دو در آنجا حضور داشتند و فعالیت می‌کردند. اما بعد از آن و بعد از عقب‌نشینی مجدد نیروهای دولتی ایران و عراق از این بخش از اوراطانات تنها حزب دمکرات در این منطقه حضور داشته و با توجه به شرایط حاکم بر منطقه تنها نیروی حاکم بر آن محسوب می‌گردید و کلاً برای اداره آن قوانین و مقررات خاص خود را وضع نموده و اجرا می‌کرد و اداره منطقه توسط تشکیلات اوراطان حزب صورت می‌گرفته است.

مهم‌ترین قوانین و مقرراتی که در طول بیش از چهار سال گذشته حزب در آنجا به مرحله اجرا گذارده است، صائلی از قبیل کنترل رفت و آمد به منطقه و نیز اجازه دادن باقات ضعلق بسوده افرادی که منطقه را ترک کرده‌اند و گوهبائی که درخت صغز دارند و... بسوده است.

حزب در زمینه کنترل رفت و آمد به منطقه، تنها راه اتصال این منطقه به پایه از طریق نسود را در طول چند سال گذشته سدود ساخته است و می‌توان گفت در طول چند سال گذشته تا همین اواخر، رفت و آمد چندانی به منطقه از طریق داخل نسوده و حتی کسانی که به ملاقات پیشمرگان می‌آمده‌اند در محلی به نام "قله ز" در چند صد ضری نسود نگه داشته شده و بعد از یک ملاقات و آن هم در حضور پیشمرگه به طرف پایه بازگشت داده می‌شدند. حزب دمکرات در این زمینه مرگوسز بدلیل اینکه ممکن است رژیم از طریق این رفت و آمدها، شبکه جاسوسی در منطقه ایجاد نماید،



با جاسوس بفرستند، یا افرادی که رفت و آمد می کنند، نقش وضعیت نظامی منطقه را در اختیار رژیم بگذارند و ... از ورود به منطقه و به دلیل این که اکثر افرادی که از منطقه خارج می گردند، برای رژیم اطلاع برمی دارند و ... از خروج از آن جلوگیری نموده است.

و در زمینه اجاره باغات و ... معتقد است که اجاره دادن باغ جاس و غیره مانعی ندارد و مائلی از این قبیل.

اما با ورود کومه له در بهار اسال در وضعیت راکد منطقه، اتفاقات جدیدی رخ داده است و از همان لحظه ورود کومه له، اختلافات دو نیروی مذکور و برخوردهای حادث آنها در زمینه مسائل مربوط به اداره منطقه، انعکاس بیرونی یافته است و تجربه برخوردهای مختلف در تمامی عرصه ها گردیده است. مائلی که در ارتباط با چگونگی اداره منطقه و حل معضلات آن، طرح و از سوی طرفین پیش برده شده است که در بسیاری زمینه ها عملاً نقطه مقابل همدیگر بوده و برخوردهای غیر اصولی و عملاً غیر سیاسی با آنها، زمینه ساز فاجعه ای محسوب می گردند که بر بنیان این اختلافات در آبان ماه گذشته ضربه های آن تیرا فرخته گردید و تعدادی از پیشمرگان هر دو طرف را در کام خود فرو بلعید.

زمینه ها و علل درگیری الف) مسائل مورد اختلاف

تردیدی نیست که درگیری بین حزب و کومه له نه تنها در اورامان بلکه در تمامی موارد قبلی، آن نیز یک امر اتفاقی و غرض رهد در آستان صاف نبوده و نیست. و به همین لحاظ نیز از صیر ضحمر به فرد خود در کل و با خود ویژگی های خاص آن در هر کدام از موارد مربوطه برخوردار بوده و هست. ما پیش از آن که در این گزارش در حد کلیات به ساله بپردازیم اساساً وظیفه خود را به تعقیب جزئی به جز سیر حوادث و چه بود و چگونگی ضمن و متنوای آن ها که در مقطع خاصی به درگیری خونین اخیر ضحمر شده اند، ضحمر می نماییم.

مسائل مورد اختلاف حزب و کومه له را در منطقه اورامان، عمدتاً مسائل مربوط به چگونگی اداره منطقه در تمامی زمینه ها، تشکیل می دهد. حزب با توجه به سابقه فعالیت خود در منطقه و نیرو و امکانات خود، خود را نیروی حاکم محسوب می دارد، از سوی دیگر کومه له در جهت نقی این حاکمیت به طرق گوناگون و با طرح مسائل جدیدی در تمامی زمینه ها دست می یازد. برای آن که موارد مورد اختلاف طرفین را (که دلائل اصلی درگیری را باید در آنها جست) هر چه بیشتر روشن ساخته و چگونگی برخورد هر کدام از آنها را در این زمینه (که عملاً درگیری اخیر شکل نهائی و حادث ترین شکل آن است) روشن سازیم، سروری بر نقطه نظرات مسئولین تشکیلاتی هر دو طرف در منطقه نموده و تلاش می کنیم از این رهگذر برخی بزر آنچه که اتفاق افتاده است، انداخته و خواننده را قبل از آن که درگیر و در حسودات گنج کشنده و تحیر و تحسراتگیز گرفتار آید و به دنبال کس یا کسانی که به پلیدی و یا از سر بد طبیعتی و غیره اول یا آخر ماسه را چکانده است، در تبلیغات پر صر و صدای حول این فاجعه سرگردان شده به انتخاب و رد این یا آن بپردازد، به عقب آنچه که در ادامه خود، از لوله تفنگ زیانه کشیده است رهنمون شویم. ضحمر کمنه مرکزی و مسئول

تشکیلات اورامان حزب دمکرات می گوید:
تضاد حزب و کومه له، تضاد ایدئولوژیکی است. آنها (کومه له) خود را نماینده کارگر و ما (حزب) را نماینده سرمایه داری می دانند و مبارزه ما بورژوازی یکی از اهداف آنان است. البته بورژوازی بی دلسلانه است.
او اضافه می کند:

کومه له در مدت این چهار سال در اورامان حضور سیاسی - نظامی نداشت مگر کسانی که اهل اینجا و سحات کومه بودند. بهار اسال چند نفر ... به منطقه آمده و وضعیت منطقه را بررسی کرده و برگشتند و بعد از مدتی خبر شنیدیم کسه ۱۵ کومه له ای به منطقه آمده، بر حسب اتفاق چند نفر از رفقای ما آنجا بودند از طرف برادران ما به کومه له می گویند که چطور بود شما بدون اطلاع به

بورژوازی بی دلسلانه یعنی بورژوازی ای کسه در حاکمیت نیست.

هر کسی دلش بخواهد به هر نقطه ای می خواهد برود... و آزادی اینجا قفسه شده... حتی يك ذره از وضع خودشان عقب نشینی نکردند و ما مجبور به عقب نشینی شدیم. بعد از آن که رفت و آمد را آزاد کردیم گفتیم... بگذار آزادی که می روند مسائل با خودشان ببرند... بگذار در ضيقه باشند، دوباره بر سر این صاله نشستیم ولی آنها راضی نشدند و ما مجبور بودیم عقب نشینی کنیم ناراحتیم از این که بخاطر چند نفر آزارشیت از توانیمن و ضررات خود عقب نشستیم.

در نبود باقی بوده نام منطقه زنی هم به نام (ص) مادر کمال (ادیس محمدی پیشمرکه کویله که در درگیری اخیر کشته شد) که شوهر این زن جاش است و در سه حلقه به نبود حضور داشته، این باغ هم پائین پاسگاه رژیم است. این زن می خواست این باغ را به اجاره بگیرد که از طرف ما رد شد. و می گفتیم هر باقی را که می خواهید به شا می دهیم ولی باغ منطقه نه. کومه له گفت باید (ص) به آن باغ برود و اجاره اش کند. صاله به شورا رسید کومه له گفت شورا را به وصیت نمی کنیم. بار مردم جمع شوند. مردم گفتند دو باغ پایتخت هستند (ص) به آنجا برود. که باز حاضر نشدند آماده باش دادیم و آماده درگیری شدیم، نیرو جمع کردیم و سنگر بندی از دو طرف شد. دوباره مردم آمدند و نصایند هر دو جمع شدند، ما طرحی دادیم که يك نفر دیگر را شريك این زن بگیریم آن يك نفر محصولات را جمع کند ولی (ص) به باغ نرود که باز هم (ص) به باغ می رفت، باز ما عقب نشینی کردیم. مرتب تبلیغ می کردند، در میان مردم که ما قدرت گرفتیم و می گفتند بیروز شدیم که به کینه سرکزی خودشان هم نوشته بودند.

چند دفعه در نبود ما خواسته بودیم که اسم شب مشترک داشته باشیم، چند روز گذشت آنها کم کاری کردند، ما به نظر آنها می رفتیم برای اسم شب که نمی دادند، در شبها به ایست پیشمرگان ما توجیه می نمودند، سیر را عوض کرده باز به سیر نگهبانها می آمدند، می گفتند به ایست پیشمرگان...

منطقه آمدید حداقل محل نظر و محل کین ها... را از ما می پرسیدید. نه این که منطقه هارا بر دوش بگذارید و هیچ سوالی از ما نکنید. مردم (از کومه له) می گفد: ما حزب دمکرات را نمی شناسیم. حزب کمونیست به ما دستور داده. هر کسی جلوسا را بگیرد با کومه له جواب می دهیم. صاله به کینه شهرستان رسید. ما هم... به صاله خاتمه دادیم، البته پیشمرکه ناراحت می شود بعد از سه سال حفظ منطقه کومه له بدون اجازه نباید. لاقال تصور آن را نداشته باشد که از پشت ضرورت شد يك نفر را کینه ببرد... به مستون يك حرکت کرده به هر ارتش می رفتند، تیراندازی می کردند... بعد از مدتی تبلیغ و دور کردن مردم از حزب و فراخواندن مردم به نزد خود شروع کردند... به تبلیغ علیه حزب پرداختند، حزب از کدام منطقه به کدام منطقه عقب نشینی کرد، حزب دمکرات از مردم همک می گیرد، اجاره دادن باغ جاش کار سرمایه داری است و شما نباید بگذارید این کارها بشود... سالی در منطقه درست کردند و بعد از مدتی از ما خواستند که ما پیش آنها برویم و با هم بنشینیم و تنها روز فلان در جمعیتی حضور به هم رسانیم) ما هم این کار را نمی کردیم چطور شما دو روز به اینجا آمده اید، می خواهید ما پیش شما بیاییم... صاله راه هاوار... يك نوع مبارزه علیه حزب بود. ما در محل هائی مانند تخت جام و... برای آن کسه چه های مردم می سواد بار نباید، مدرسه گذاشته ایم و کومه له علیه این مدرسه ما تبلیغ کرده و حالا ۱۰ الی ۱۱ نفر به مدرسه نمی آیند:

رفت و آمد به باوه: اینجا مثل سایر جاها نیست. چون راه انحرافی و غیره ندارد. منطقه نظامی است. هیچ رفت و آمدی بدون اجازه رژیم صورت نمی گیرد... ما قرار و نظمی گذاشته بودیم اثر کسی به ملاقاتی نباید در محلی به نام "قه لوز" می ملاقات دارد و دیگر به داخل شهر نمی آید. به خاطر برداشتن نقشه منطقه و جاسوسی و... این کار ما بخاطر منطقه بوده و حفظ منطقه... کومه له به اینجا آمد، مخالف این کار بوده و گفت

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای منترقی و انقلابی

حزب را نندارید. کومه له میگوید ما باید تبلیغ اهداف سیاسی خود را بکنیم و با سرمایه‌دانت اشتباه نپسوزیم دیگر را افشا کنیم. حزب میگوید شما حق نندارید مگر بگذارید و کومه له هرا به کار خود ادامه می‌دهد و این حق را تشکیلات برای ما تعیین می‌کند که در هر نقطه‌ای مقرر بگذاریم. حزب هم دست بکار شده و تبلیغ می‌کند که مردم ما را در خانه‌هایشان راه ندهند مانند: اینها منطقه را ترک کردند و اینجا کمزیرت هستند.

بعد از مدتی فعالیت ما شروع می‌شود. تبلیغ سیاسی اهداف خود و تبلیغ کلیه اقدامات و کارهای حزب در منطقه مانند: اجاره دادن باغات، اجاره درخت صخره بستن راهها و ...

... از بهار که ما آمدیم حزب طرح توطئه ای داشت (باغ صنوبر) که از طرف ما خنثی شد. و با دخالت مردم ما کوتاه آمدیم و صانه را خاتمه دادیم. صانه اجاره بجای باغات که قبلاً ۱۰ هزار تومان و ۱۵ هزار تومان بود با آمدن ما در این مدت خیلی کم شده. مردم با راهنمایی های ما روشن شده و وضعیت قبلی را قبول نمی‌کردند. و دیگر صانه راه و اجاره بها مقرر کردن و این که رفت و آمد باید آزاد باشد. و مردم هم خودشان باید فعال باشند ... مسائل و خوار و بار بیآورند که حزب می‌توانست این کار را بکند که البته این کار را کرده

در تاریخ ۶۳/۶/۲ نیز نشستی با مردم شده بود با همکاری شورای شهر نوسود و از ما تقاضای شرکت کرده بودند صانه کوبونده (نشست) رفت و آمد به ایران خوار و بار و ... بوده ما هم نماینده خود را فرستاده حرفها و سیاست خود را گفتیم. در جلسه گفته شد که هیاتی با نمایندگان ما و حزب و مردم تشکیل شود ... نماینده حزب در این نشست گفته که ما حاضر نیستیم با کومه له بنشینیم و هیاتی تشکیل دهیم ...

صانه رفت و آمد به ایران بود که قبلاً حزب نمی‌گذاشت کسی به منطقه بیاید و اگر کسی می‌آمد در محلی به نام "قه لوه ز" ملاقات می‌کرد با حضور پیشمرگه و از آنجا برمی‌گشت به طرف ایران. ما مخالف این کار بودیم و با حزب نشستیم و بحث کردیم. حزب می‌گفت رژیم از طریق رفت و آمد جاسوس می‌فرستد

مردی بدنام (نام پسر) بد مردم سرکفت بیاید به پاره بویس. چرا اینجا نشستید ما هم او را گرفتیم و گفتم حق تبلیغ در میان مردم را نندارید. خردت می‌روی، بروید که کومه له از او دفاع کرده، برای پیشمرگان ما دستور ترقتند که (م) و ادویر کومه له نمی‌گذارند، پیشمرگه کومه له لوله تفنگش را بروی سینش (م) که بدون سلسه بود گرفته می‌گردد ضروریه و ضروری است.

سرانجام مردم آمدند و خواستند که اجازه بدهیم به پاره بروند ما هم تا ۶۳/۸/۱۳ قرار گرفتیم که هر کس می‌خواست در این فاصله برود ما نمی‌توانیم (بگذاریم) هر روز هر کس دلش می‌خواست برود عده‌ای رفتند، بعد از این مدت تعیین شد روز ۸/۲۴ دو نفر که زن و بچه همراهشان بود از پیشمرگان ما می‌خواستند که به پاره بروند. حزبها می‌گفتند چرا در وحده خودتان ترقتند و آن نباید برود. کومه له اینجا به آنها سرگینند که ما شما را رد می‌کنیم.

(از گفتگو با مسئول تشکیلات اورامان حزب) در مقابله با فشارات بالا مسئولین کومه له در منطقه سز منطقه نشراتی دارند که در گفتگو با مسئول تشکیلات اورامان کومه له رئیس انامی آنها روشن گشته است و برای آن که بتوانیم یک جمع بندی روشن از مسائل مورد اختلاف طرفین بدست داده و به ریشه یابی حوادث بپردازیم ضروری است به این گفتگو مراجعه نمائیم:

مسئول تشکیلات اورامان کومه له می‌گوید: "آمدن کومه له برای حزب قابل قبول نبود، چون نمی‌توانید و می‌دانست که کومه له مخالف گره‌های حزب است. در اوایل برای موجودیت خود از طرف کمیته شهرستان افسرادی را فرستاده بسرد که شما حق نندارید به این منطقه بیائید، چون ما در منطقه بوده ایم و باید از حزب اجازه بگیریم و ما اجازه فعالیت به شما نمی‌دهیم ... رفتن ما هم نند و رژیم در مقابل این حرفها می‌ایستند و می‌گینند ما آمده ایم که با شما همکاری کنیم و شما ما را باری و راهنمایی کنید (از نظر میدان بین و کمن ...). در محل دیگر حزب حلوی رفتاری ما را درگیر و اخطار می‌کند که شما نباید تبلیغ کنید و حق تبلیغ علیه

برای شناسائی منطقه که ما مخالفت کردیم و گفتیم اگر رژیم بخواند شبکه حاسومی درست کند از بیست بهرزن استفاده نمی کند. و ساله دیگر رفتن به ایران بود که حزب می گفت کسی حق ندارد بیرون و مسائل خود را به همراه بیرون. ما هم سیاست خود را توضیح می دادیم و می گفتیم باید رفتن مثل آمدن آزاد باشد. و سایر خود را هرگز خواست همراه خود بیرون آزاد است ولی حزب یا موافقت نمی کرد و اگر هم موافقت می کرد می گفت باید یک سری از مسائل را صادره کنیم. ساله دیگر بازید مسائل بود که حزب می گفت هرکسی به شهر می رود باید مسائل او را باز بدهد. کنیم شاید نواری همگی و یا نامه ای از کسی یا منطقه ... و ما مخالف این کار بودیم و به حزب می گفتیم اگر شما به کسی مشکوک هستید می توانید قبلاً این کار را بکنید نه در موقع رفتن.

البته بین کومه له و حزب بر سر این که اگر کسی به حزب مراجعه کرد و یا برضکر به کومه له مراجعه کرد هر طرف حق داشته باشند آن فرد را ببرند تا از منطقه خارج شود، توافق لفظی صورت گرفته بود. بین کات ر. و ... و در ضمن چندین مورد این کار شده و حزب مخالفتی نکرده بود.

روز ۸/۲۴ دو نفر می خواستند به پایوه بروند، حزب مخالف بود و کومه له موافقت کرد که آنها را رد کند البته روز ۸/۲۴ باران آمد و نتوانستند بروند و روز ۸/۲۵ حرکت کردند که صبح همان روز درگیری شروع شد. البته روز ۸/۲۴ (ع.ج. ۰) گفته بود اگر اینها بروند آتش بپا می کشیم... (از گفتگو با مسئول تشکیلات اورامان کومه له) اگر برگشته های هر دو طرف دقت نموده و مسائل فیما بین را جمع بندی کنیم در حقیقت موارد اختلاف و مسائل مورد مشاجره آنها و با توجه به وضعیت عمومی منطقه و مسائل آن چنین خواهد بود:

۱- چنانچه ساله دادن "اطلاع" به حزب دمکرات در مورد ورود به منطقه و تاکید آن بر روی حفظ منطقه و غیره و نهایتاً تعدیل آن به امر آگاهی از کمین و میادین مین و غیره روشن می کند که حزب دمکرات اطلاع دادن ورود کومه له به منطقه را که تحت کنترل کامل خود بوده حق خود میدانسته و کومه له چنین حقی را به حزب دمکرات نداده، و سیاست خود را در پیش گرفته است. کومه له پشت

این اطلاع، قطع تبلیغات و تذکرات متعدد حزب را دریافت داشته و فعالیت خود را با تبلیغ علیه اقدامات و کارهای حزب دمکرات شروع کرده است. مانند اجازه باغات اجازه درخت سقز و بستن راهها ... که حزب دمکرات نیز برای هر کدام از آنها دلایل خاص خود را داشته است و بعنوان نیروی مستقر در منطقه قوانین و مقرراتی بر زمینه اجازه دادن باغات ضعلق به جاشها درخت های سقز و کنترل رفت و آمد که کومه له مخالف آنها بوده است.

۲- در زمینه ساله اجازه ها حزب دمکرات در برخورد با کومه له تن به عقب نشینی داده اجازه ها را تعدیل می کند و در زمینه گمرکات و غیره و مسائل مربوط به خرید و فروش محصولات نیز در حقیقت با توجه به اقدامات عملی و تبلیغات سیاسی کومه له، تن به عقب نشینی هائی می دهد ولی اختلاف اصلی همچنان با برجا می ماند.

۳- حزب دمکرات در زمینه کنترل رفت و آمد به پایوه با استدلال های خود یعنی بر "نظامی بودن منطقه" و جلوگیری از برداشتن "نقشه منطقه رجاسومی و ... جلوی آن را به کلی گرفته بوده است که بعد از آمدن کومه له و با توجه به برخوردهائی که وجود داشته است بر این زمینه نیز به آزادی محدود رفت و آمد تن می دهد ولی باز هم حل ساله بطور کامل با بر جای می ماند.

در زمینه برخورد به کسانی که از منطقه بطور کلی به پایوه و ... می روند حزب خواهان جلوگیری از خروج اینگونه افراد بوده است با این استدلال که این افراد می روند و برای رژیم اسلحه برمی دارند نه نهایتاً به صادره اموال چنین افرادی و نیز در هنگام خروج از منطقه بازرسی و مسائل آنها با استدلال این که ممکن است همگی، نقشه ای و یا نامه ای یا خود ببرند، بوده و کومه له با این امر کلاً مخالفت کرده، می گوید اگر به کسی مشکوک هستید قبل از آنکه خارج شود باید این کار صورت گیرد.

در این مورد اگرچه کومه له اعنا دارد که توافق لفظی بین حزب و کومه له بوده که هرکسی به هر کدام از نیروها مراجعه کرد او آن فرد را رد نماید، ولی حزب هیچ گونه اشاره ای به آن نداشته و وجود چنین توافقی را قبول ندارد.

۴- در مورد شوراها موجود، حزب می گوید

بهره برداری شیوه برخورد خود کومه له بسی تأثیر
نموده است.

آنها در زمینه اجاره باغات و غیره و نیز صالیه
رنت و آمد به پاوه و تهیه مایحتاج ضروری مردم
منطقه در موارد مختلفی تا حد درگیری پیش
رفته اند در مقابل توده های مردم بیشترگان هر دو
طرف به همدیگر توهین کرده اند دست به یقه شده اند
اسلحه کشیده اند و این کار نه یکبار بلکه به کرات
صورت گرفته است.

چنانچه مسئول تشکیلات اوامان حزب در برخورد به صالیه باغ
منطقه و اجاره آن می گوید: "آماده باش داریم
آماده درگیری شدیم؛ نیرو جمع کردیم و سنگر بندی از
دو طرف شد. با در مورد دیگری در برخورد دیگری
در مورد فردی به نام کمال بگروگویی طرفین ضجر
به "سنگرتیزی" می گردد. جالب است که هر دو
جریان مستندند در مقابل همدیگر با دخالت مردم
"عقب نشینی" کرده یا "کوتاه آمده" اند. ولی این
"عقب نشینی" یا "کوتاه آمدن" بر چه اساسی استوار
بوده و چگونه در عمل تثبیت می گردید و چقدر
ضمیمت حاصل از آن برای هر دو طرف که حاکی از
یک توانقی می بایند باشد قابل امتنا بوده و هست؟
حزب معتقد است "مجبور به عقب نشینی" شده است
و کومه له می گوید "برای خاتمه دادن به توطئه
... کوتاه آمده است"

همه این گونه موارد و این شیوه برخورد به
صائل بیانگر آن است که هیچ گونه رابطه سیاسی ای
که در چارچوب آن بتوان بر سر صائل اگر نه به توافق
به حد و مرز معینی از اختلافات رسید و بر اساس
آنها حرکت نمود، وجود نداشته است. حزب از اینکه
کومه له از آنها خواسته به پیش آنها بروند ناراحت
بوده و کومه له آنها دارد که حزب به نامه های آنها
پاسخ نداده است. حزب معتقد است که کومه له
شوراها را به رصیت شناخته است، و کومه له می گوید
حزب به قرار نشست پیرامین صائل مختلف مبنی بر
تشکیل هیاتی با شرکت حزب و کومه له و نمایندگان
مردم، و تعی ننشاده است. در حالیکه کومه له از
وجود تنها یک توانقی لفظی بین خود و حزب حد اقل
در مورد صالیه رفت و آمد به پاره صحبت می کند
حزب بسی اطلاع خود از چنین توانقی را مطرح
می سازد. حزب از بسی اعتقاد بیشترگان کومه له به

کومه له شوراها را قبول نداشته و چنانچه از صحبت
یکی از مسئولین کومه له در موقع ورود دیدار با
اعضای شورای شوشمی به آنها افلام می دارد که صا
شورا را قبول نداریم. امری که مسئولین کومه له
نیز آن را تأیید کرده و جانبداری خود از تشکیل
مجمع عمومی را آشکارا بیان می کردند.

مجموعه این اختلافات که همگی آنها ناظر به
امر اداره منطقه و چگونگی برخورد با صائل
مختلف مربوط به زندگی عمومی توده ها بوده و هستند،
از جمله صائل بودند که هر دو نیرو در مورد هر
کدام از آنها نقطه نظرات خاص خود را داشته که
یکی از آنها (حزب) به نقطه نظرات خود عمل می کرده
و منطقه را طبق سیاست خود اداره می کرده است و
دیگری (کومه له) با ورود خود به منطقه تمام
هیج خود را صرف تقی ضمیمت موجود و اعمال
سیاست های خود از طریق افشای سیاست های حاکم
گردیده است. تناقض بین این دو نیرو در این زمینه
ضخصر، نیز مجموعه "ستر اصلی برخوردهای آنها را
تشکیل می داده است که باید دید، خود این
برخوردها چه سیر معینی را دنبال نموده است، و
چگونه بوده است؟

ب) برخوردهای متقابل و سابقه

درگیری در منطقه

آن چه که صحبت های مختلف آشکار می سازد و
بسیار در سخنان مسئولین منطقه ای هر دو تشکیلات
نیز به صراحت بیان شده است برخورد هر دو طرف از
هر موضعی تخطئه طرف مقابل به "نجاه گوناگون
بوده است، از همان اولین برخورد، حزب تلاش کرده
به عنیان قدرت اداره کننده منطقه با کومه له صحبت
کند و کومه له نیز در مقابل با جوابی که داده است
آب پاکی را روی دست حزب ریخته است. در زمینه
تلهیات طرفین در مورد همدیگر کومه له هدف
تلهیات سیاسی خود را "تبلیغ علیه اقدامات و کارهای
حزب... تسلط نوده و حزب با توصل به این که
آنها کمونیت هستند و غیره از احکامات مذهبی
مردم بهره برداری نموده است. اگرچه در این

(یکی از اعضای کمیته شهرستان حزب) می گوید که اگر فردا شط (منظور دوفسر مذکور است) به پناه برسد آتش به پا می کنیم و بدنیال آن سخنانی حتی بر دامن زدن به چنین آتشی (به این شکل " ما هم روی آتش بخیزیم می رویم " از طرف ادویس پیشمرگ کومه له) از سوی پیشمرگان کومه له گفته می شود که در مجموع جز متشنجی را دامن می زند . امری که در میدان رقابت بین دوفسرو و در شکاف میان آنها بدون توجه هیچکدام از طرفین به عواقب صافه با پافشاری هر کدام از طرفین بر صیغ خود به کبریت احتمال حادثه تبدیل می گردد .

۳ چگونگی درگیری (الف) در قه لوز

صبح روز ۲۵ آبان ماه در ادامه درگیریهای لفظی روز قبل بین پیشمرگان حزب و کومه له اولین تیراندازیها در محلی به نام قه لوز نزدیک شهر نوسود آغاز می شود . شروع درگیری ابتدا در نتیجه بگو و مگوئی است که بین پیشمرگان حزب و کومه له بر سر باز دیدن وسائل خانواده هائی صورت می گیرد که با حمایت کومه له قصد خروج از نوسود را داشتند .

این بگو و مگو بین مسئول بدست پیشمرگان کومه له با یکی از کادرهای حزب که به همراه عده ای دیگر از پیشمرگان حزب همان روز صبح به قه لوز رفته بودند صورت می گیرد که نهایتاً با پافشاری هر دو طرف روی موضوع خونه و گرفتن آرایش نظامی ضربه تیراندازی طرفین و پراکنده شدن آنها می گردد . یکی از شاهدان عینی ماجرا که خود جزو خانواده هائی بود که می خواست آنروز بستگان را به پناه روانه کند میگوید : " صبح چهار پیشمرگه کومه له قرار بود به خانه ما بیایند که با هم به قه لوز برویم . سه قه لوز که رسیدیم (م .) (پیشمرگه حزب) گفت که حزب راضی نیست شط به پناه برود (ح . م .) گفت که ادویس (پیشمرگه کومه له) گفته که همین ما و حزب در این مورد قرار بوده ، هر کسی به حزب مراجعه کند حزب او را رد کند ، و هر کس به کومه له مراجعه

کند است شبانه پیشمرگانش و کم کاری آنها در زمینه تبادل اسم شب مش می گوید و خبره بالاخره هر کدام از دو جریان از تنها چیزی که تضحی به میان نمی آورند ، حداقل همکاری فیما بین طرفین در منطقه که هیچ بنگه ایجاد جزوی بر صنایع صنایع متقابل یا هرگز نه اختلافی در شرایط کنونی بر اساس اجتناب از درگیری نظامی و غیره که هر دو آنها آن را امری به نفع رژیم محسوب می دانند است . مهم ترین مسائل مورد اختلاف این دو نیرو در منطقه بیش از همه چنانچه هر دو طرف روی آن تأکید دارند در ارتباط با مسائل توده های زحمتکش اهالی بوده و هست و به قول خود آنها نیز درگیری هائی آنها در تمامی مواردی که حادثه با دخالت خود همین مردم بالاخره منجر به " عقب نشینی " یا " کوتاه آمدن " شده است .

بالاخره علیرغم وجود اختلافات بسیاری در تمامی زمینه ها از برخورد های طرفین چنین بر می آید که بیش از همه آنها مسائل مورد نظر را به انگیزه و هدف رقابت های گروهی خود نموده اند تا هدف اصلی مسائل مورد اختلاف خود را مد نظر داشته باشند . آخرین برخورد آنها بر آنکه گوشه ای از این روابط است .

روز ۲۶ آبان ماه دوفسر می خواهند با خانواده هایشان به پناه بروند و از پیشمرگان حزب می خواهند به آنها اجازه خروج از منطقه بدهند . پیشمرگان حزب به آنها می گویند چرا در سلامت تعیین شده (یعنی از ۸ تا ۱۳ آبان ماه که خروج از منطقه آزاد اعلام شده بود) نرفتید و با رفتن آنها مخالفت می نمایند . در همین حین پیشمرگان کومه له که در میدان شهر (که طبق عادت معمول صرفم و پیشمرگان دو طرف جمع می شوند) حضور داشتند به آن دوفسر می گویند ما شط را رد می کنیم . بر سر رفتن یا نرفتن این دوفسر در صحرهان روز درگیری لفظی بین پیشمرگان حزب و کومه له در می گیرد که منجر به سنگر گیری طرفین می گردد . و در مقابل پیشمرگان کومه له که با آنها قرار برای رد کردن از " قه لوز " می گذارند پیشمرگان حزب

حقیقت ملل در تعیین سر نوشت خویش حق مسلم آنهاست

بخش و پلا شدیم و من هم رفتم وضع بگیرم ...
 رگبار کرد ...
 آنچه که ادامه تحقیقات روشن می سازد این است که بهانه اصلی درگیری، اختلاف طرفین بر سر جلوگیری از رفتن خانواده ها از سوی حزب و رد کردن حتی آنها از سوی کومه له بوده و بحث های دیگر از قبیل امر بازبید و فیره بهش از آنکه بخواهد راه حلی برای این صئله باشد به نظر می رسد تنها برای یافتن بهانه برای شلیک به سوی یکدیگر بوده است که نهایتاً نیز این کار از سوی پیشمرگان حزب انجام گرفته است. البته اصرار کومه له بر مواضع خود در تمامی مسائل مربوط به رد کردن حتی این دو خانواده مهضربین زمینه و بهانه را برای درگیری فراهم نموده است. که البته در ایمن تیراندازی کسی زخمی و کشته نشده است. این خود آشکار می سازد که بدلیل وجود مردم در میان پیشمرگان عمدتاً رگبارها هوایی بوده است.

ب) در نوسود

بدینسال شروع تیراندازی در ۲۰ لوه ز به فاصله حداکثر ۱۰ الی ۱۵ دقیقه درگیری به داخل شهر نوسود کشیده می شود. پیشمرگان متفر در مقرر حزب و کومه له با شنیدن صدای رگبار در اطراف مقرر ها سنگر بندی می کنند. چیزی نمی گذرد که مقرر کومه له از جانب پیشمرگان حزب مورد اصابت آرمی جی قرار می گیرد. لحظاتی سکوت همه شهر را فرا می گیرد و بعد از آن تیراندازی از نو شروع می شود. بعد از اینکه مقرر کومه له درهم کوبیده می شود و پیشمرگان کومه له پراکنده می شوند، در جریان درگیری یکی از پیشمرگان کومه له بنام (م) زخمی می شود و یکی دیگر بنام ادریس کشته می شود، نهایتاً چهار پیشمرگ دیگر که مقاومت می کردند از جسطه نخست طلعت در لحظات آغاز درگیری و سپس در دقایق پایانی درگیری در شهر ریسوار علی، و حید با وساطت مادر یکی از پیشمرگان (م) خود را تسلیم می کنند و پیشمرگان کومه له بنام (ق) به همراه شخص دیگری بنام (ا) (هوادار کومه له) دستگیر می گردند. برخی تلاشهای

کنده کومه له او را رد کند. (م) به سائلیا دست زد و بازبید کرده گفت باشد بروید. (م) به (ن) گفت تو که به ما سرافجه کردی. (ن) هم در جواب گفت آری ولی حزب با رفتن من به پاره مخالفت کرد. (م) دوباره گفت باشد بروید. پیشمرگان حزب نوسود بودند و سنگر گرفته بودند، ما هم سائلیا را برداشتیم و رفتیم (م) گفت جدا شوید. (و) (پیشمرگه کومه له) گفت چرا جدا شویم که ناگاه یکی گفت تکان نخورید و بعد گفت بنزید ... او در ادامه و در پاسخ به اینکه چه کسی گفت تکان نخورید می گوید: " (ع ۰ ج ۰) بود. " (او یکی از کادرهای کشته شهرستان حزب است.)

(ر) پیشمرگه کومه له نیز می گوید :
 ... (م) که می خواست به داخل کوچه بالای جاده برود و ما هم در حال حرکت به طرف پاره بودیم، از پائین جاده ما را ایست دادند. گفتند نمی گذاریم، کسی حرکت کند. گفتند نروید. همزمان با ایست ما را از پشت به رگبار بستند و ما هم متفرق شدیم. خودم را به خانه ای انداختم و بعد از مدتی که بیرون آمدم و چند تیر هوایی شلیک کردم به محض اینکه از خانه بیرون آمدم مرا به رگبار بستند. تیراندازی در ۲۰ دقیقه طول کشید. اما بینیم پیشمرگان حزب چه می گویند. (م) پیشمرگه حزب می گوید :

" در آن روز (۲۵ آبان) که رفتیم کیم ۶ نفر بودیم ... چون ساعت نداشتیم نمی دانم که ۶ یا ۵ بود دیدیم که از اهالی نوسود چند نفر می آیند وقتی آنها به ما رسیدند ... گفتیم اسباب ها را بگذارید زمین که بازبید کنیم ... یکی از آنها گذاشت ولی دیگری نگذاشت که پیشمرگه ای بنام (ر) گفت ما آمده ایم که آنها را رد کنیم ما گفتیم که اگر کاری نمانده ما باید آنها را تفتیش کنیم. (ر) گفت که ما نمی گذاریم و ما هم گفتیم که کاری نکن که درگیری ایجاد شود. پیشمرگان کومه له که ۶ نفر بودند در نظرمان به طرف دکان واحد رفت و فقط (ر) پیش ما ماند. او گفت بعنوان حزب کمونیست و ما هم گفتیم بعنوان پیشمرگه دسکرات و ریسوار گفت دسکرات، دسکرات! مزدور مزدور است. من با گویله جواب می دهم ... (ر) گفتند زد و ما

در این زمینه ضرر کمیت مرکزی و مشورت تشکیلات اورا مان حزب دمکرات می گوید:

"دوباره عده ای از پیشمرگان ما به قه لومزی می روند. باز در آنجا تیراندازی شروع می شود و عده ای از پیشمرگان ما که از روستای قلعه گاه می آمدند می بینند که پیشمرگان کومه له هستند. یک نفرشان به تنگام بختیار که می خواهند خودش را تسلیم پیشمرگان ما کنند یکی از پیشمرگان ما بنام عزیز به نزد او می رود کشته می شود و تیراندازی از طرف رژیم هم شروع می شود درگیری شدت یافته بختیار نیز کشته می شود. در مورد اسراء طلبه را حدود ساعت ۴ دستگیر می کنند که با وساطت یکی از اعضای شورای شهر نوسود و پیشمرگه به درگیری حزب تکمیلی برای آن می گذارد. و ۳ نفر دیگر از پیشمرگان کومه له تا حدود ساعت ۱۰/۵ تا ۱۱ مقاومت می نمایند و در همین حدود یعنی در دقیقه پایانی درگیری خود را تسلیم پیشمرگان حزب می کنند که دست بسته به خانه ای برده می شوند و برای خورودن نهار دست آنها را باز می کنند. بعد از خوردن نهار طلبه را نیز پیش آنها می آورند و در همان حواله وحوش (ق.) و (ا.) نیز دستگیر می گردند. بعد از ظهر دو نفر از کادرهای کشته تبرستان حزب دمکرات به همراه تعدادی پیشمرگه می آیند و عینه، ریویار طی و طلبه را که غیر از طلبه هفت آنها دست بسته بودند با خود می برند و قبل از این کار به هیچ کس اجازه خروج از خانه نمی دهند.

ولی بعد از ظهر همان روز حدود ساعت چهار جنازه این چهار نفر در دره هرات و اطراف جاده پیدا می شوند. که پیشمرگان حزب دمکرات بگی منکر اسارت این چهار نفر شده و می گویند آنها در جریان درگیری در آن منطقه کشته شده اند. اما آنچه که روشن است، اولاً در مورد اسارت این چهار نفر دلایل و شواهد کافی وجود دارد، ثانیاً همانطور که گفتیم به شهادت اهالی نوسود هیچ گونه درگیری بین پیشمرگان حزب و کومه له در دره هرات وجود نداشته، درگیری عمدتاً در مرقها و باغات اطراف نوسود بوده، ثالثاً شواهدات عینی ما در محلی که پیشمرگان حزب بعنوان محل درگیری نشان داده اند هیچ گونه آثار اسارت گلوله بر پوسته سنگ، دیواره پل و غیره را نشان نمی دهد. و نیز هیچگونه علائمی

اولیه مردم برای انگار چریکری از دست یابی درگیری به دلیل تشدید فزاینده آن به تشنه ای نمی رسد رقیبه پیشمرگان کومه له سر باغات اطراف نوسود پراکنده می شوند. این عده بعد از ظهر در صمدیگر جمع شده و با قصد این که شب بتوانند به پیشمرگان حزب ضربه بزنند سعی می کنند با تهیه نان در همان باغات باغی بمانند که در صاوره پیشمرگان حزب افتاده، با آنها درگیر و مجبور به عقب نشینی گردند که در این درگیری یک پیشمرگه حزب بنام عزیز و پیشمرگه دیگری از کومه له بنام بختیار به شهادت می رسند.

در این زمینه عزیز مشعل نظایر کومه له می گوید:

"من به داخل باغیای ترار محل را که تها تمیین کرده بودیم، رفتیم، یا صد نفر که در راه قه لوم ز کوم شده بودند. بعد به ترار بعد رفتیم. این محل ها را شب ماه قبل نیز برای درگیری با رژیم تمیین کرده بودیم و اولاً حدس نمی زدیم و فکر نمی کردیم که با حزب درگیر شیم! در محل آخر ۷ نفر از گم شدگان را پیدا کردیم. در آن موقع به مسای رفتیم تا ساعت حدود ۳ یا ۳/۵ به صوری نوسود حرکت کردیم که شب به حزب ضربه بزیم... از چند خانه نان آوردیم و در نیمه ای ششمین نان بخوریم. در این منطقه پیشمرگان حزب حدود ۳ نفر به ما نزدیک می شدند و فوری ما برایشان سنگ گرفتیم، ساعت ۴ درگیری شروع شد. در این لحظه به ما حمله کردند و محاصره شدیم در این محاصره یکی از پیشمرگان ما به نام بختیار اسیر شد. بختیار و ابراهیم با هم در یک سنگر بودند."

ابراهیم پیشمرگه کومه له هم می گوید:

"ما وقتی سنگر گرفتیم محل ما طوری بود که کسی را نماند دیدیم وقتی خیلی نزدیک بود بختیار نتوانست بپساید بختیار را صدا زدند بختیار هم رفت پیشش حزیبها فقط صدای یک تیر آمد"

که کومه له سعی است بختیار بعد از تسلیم اقدام شده است و حزب می گوید در همین تبادل آتش بین پیشمرگان دو نیرو که منجر به تیراندازی با سنگ، رژیم نیز گشته است، این دو نفر کشته شده اند.

البته به دلیل کمبود اطلاعات لازم اقدام شدن بختیار قطعی نیست. اما آنچه که روشن است حتی پیشمرگان حزب نیز صافه تسلیم شدن بختیار را انکار نمی کنند.



از طرفین به امارت گزفته می‌شوند و اولین تیراندازی ها بین آنها شروع می‌گردد. (س) پیشمرگه حزب که زخمی هم شده بود به گفته کومه له ایبا سه امارت کومه له برمی‌آید و نیز شیخ طوسی پیشمرگه کومه له از ناحیه صورت زخمی می‌شود و برای پانصان به مقر برمی‌گردد.

در حدود ساعت ۸/۵ نیز یکی از پیشمرگان حزب بنام "ثروت" در حین رفتن از شوشی به مقر حزب کشته می‌شود و در ادامه درگیری نیز "وه لسی" سه رنک حزب که گویا مخالف درگیری بوده است در جلوی مقر کومه له کشته می‌شود و این امر آتش درگیری را هرچه شعله ورتر می‌سازد و نیروی ککسی حزب از ده ره نسی (محل کمیته شهرستان حزب) می‌رسد و به قول خود پیشمرگان حزب با آر. پی. جی. نارنجک انداز ۷۰ گالیبر ۶۸ و تیربار قلمه به مقر کومه له حمله می‌گردد و مقر کومه له از هر طرف در محاصره گرفته می‌شود که در جریان درگیری دوتن از پیشمرگان کومه له به نامهای رحیم الهی و محمد باوان کشته می‌شوند. پیشمرگان کومه له در زیر آتش سنگین پیشمرگان حزب مجبور به عقب نشینی و تخلیه مقر می‌شوند که در حین عقب نشینی نیز نصرالله پیشمرگه کومه له زخمی می‌شود. و به همراه توفیق به گفته کومه له خود را تسلیم پیشمرگان حزب کرده و اقدام می‌شوند و به قول حزب در اثر مقاومت کشته می‌شوند. در صورت اعدام شدن این دو نفر البته فقط یک نفر که دختر یکی از پیشمرگان شهید کومه له است شهادت داده است و تعیین میزان صحت و صقم آن برای ما امکانپذیر نبود چرا که حمله پیشمرگان حزب بسیار سنگین و تعداد آنها به قول (س) پیشمرگه حزب نزدیک به ۱۵۰ نفر بوده، هرگونه احتمالی در این زمینه و با توجه به کشته شدن سه رنک حزب "وه لسی" امکانپذیر هست.

بعد از عقب نشینی پیشمرگان کومه له دو نفر از آنها به نامهای شیخ علی و فرح در چادر درمانگاه بر جای می‌مانند چرا که شیخ علی زخمی بوده و توانایی رفتن نداشته و فرح نیز در حال صداوای او بوده و آنها در چادر درمانگاه باقی می‌مانند. بعد از پایان درگیری یعنی حدود ساعت هازده بنا به گفته (س) پیشمرگه حزب که در مقر کومه له اسیر بود چنانز

دال بر مقاومت پیشمرگان کومه له اهم از پوکه و خیره وجود ندارد. رانها از مجموع لباسهایی که در دره هرات از این چهار نفر باقی مانده بود ما توانستیم یک دست لباس کامل (تیر پیراهن، پیراهن، چوخه و شلوار را که متعلق به یکی از چهار نفر بود) تکمیل نمائیم و آثار اصابت گلوله بر شلوار بر جای نبود ولی تیر پیراهن، پیراهن، و چوخه از تلبه شانه و از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود که خود دال بر تیراندازی از پشت و از فاصله نزدیک بود. لذا در این امر که چهار نفر مذکور (طلعت، ریسوار، شهید و نسی از پیشمرگان کومه له) قطعا اعدام شده اند هیچ تردیدی وجود ندارد.

و اما در مورد پیشمرگه کومه له به نام "دارا" که جسد او نیز در این دره پیدا شده است، تنها اطلاعاتی که وجود دارد این است که از بعد از درگیری "قه لوه" خود را به داخل شهر نبرد رسانده در اثر حمله پیشمرگان حزب به او زخمی می‌شود و خود را به دره هرات پائین جاده می‌رساند. و در حدود ظهر که چهار نفر فوق در زندان حزب بودند خبر حضور او در دره هرات شنیده شده و کسانی که او را کف و دفن کرده اند می‌گویند که او علاوه بر زخم پا که آن را با جاپانه بسته بوده است زخم دیگری نداشت مگر گلوله ای که از زیر چانه شلیک شده و با شکستن فرق از سر او خارج شده بود که امکان دارد خودکشی کرده باشد. بهر صورت از نظر ما برای آنکه روشن شود او را مانند چهار نفر بقیه اعدام کرده باشند اطلاعات کافی بر دست نیامده است.

ج) در شوشی

پیشمرگان حزب و کومه له در حدود ساعت ۷/۵ الی ۸ صبح همان روز (۲۵ آبان ماه) از درگیری در تصور آگاه می‌شوند و هر کدام اقداماتی را برای اطلاع از چند و بیش درگیری و نیز تحرك طرف مقابل انجام می‌دهند و پیشمرگان خود را در تپه های اطراف سازماندهی می‌کنند که در این حرکت افسردی

درگیریها برخورد‌های خود را طوری تنظیم نمایند ، که آگاهانه از وقوع آن پیشگیری نمایند . در نتیجه آنچه که حائز اهمیت است چنین حرکتی از سوی هیچکدام از دو نیرو صورت نگرفته است . برعکس هر کدام به سه فراخور نیرو و توان خود بر چنین زمینه‌ای هر چه بیشتر افزوده و عملاً به آن دامن نیز زده‌اند . چنانچه حوادث روز قبل از درگیری و بعد از آخرین بگو و بگوهای لفظی پیشمرگان طرفین آشکار می‌سازد ، هر کدام از دو نیرو، طبق معمول اعلام آماده باش کرده بودند ولی آنچه که روشن است و جریان درگیری آشکار ساخت هر دوی آنها بی‌کمان چسبنین آمادیهائی را جدی تلقی نکرده‌اند .

مسئول تشکیلات ارواگان کومه له می‌گوید : "پیشمرگان کومه له شب (منظور شب قبل از درگیری است) که به حرکات و تجمع نیروی حزب توجه می‌کنند ، خود را برای حمله رژیم آماده می‌کنند و آمادگی فقط در مقرر بوده " (تاکیده‌ها و پارانتز از ما) اگرچه کومه له سعی می‌کند "حرکات و تجمع نیروی حزب" را که باعث می‌گردد "پیشمرگان کومه له خود را آماده" کنند و آن هم "فقط در مقرر" بدلیل احتیاط حمله رژیم اعلام نصاید ولی اگر اندکی در صحبت‌های دیگر مسئولین کومه له در این زمینه دقت کنیم و نیز درگیری لفظی و سنگ‌گیری بعد از ظهر روز ۲۲ آبان بین پیشمرگان دو نیرو را در نظر گیریم ، صلاً نمی‌توان گفت که انگیزه این آمادگی و دریافت پیشمرگان کومه له از "حرکات و تجمع نیروی حزب" می‌توانست ، احتمال "حمله رژیم" باشد . و اگر کومه له با چنین درکی به این "تجمع نیرو" و با توجه به درگیری لفظی و سنگ‌گیری روز قبل برخورد نموده باشد ، که چنین نیست ، باید بسیار ساده لوح باشد که از تطبیق برخورد هائی از قبیل سنگ‌گیری و غیره و تقابل آشکار بر سر صاله ای را که یکی مخالف آن و دیگری صراً خواستار انجام آن بوده ، آگاه نباشد .

در صورتی که کاک (ی) عضو کشته ارواگان نظر دیگری دارد و صحبت‌های او آشکار می‌سازد که در چنین مواردی آنها مفهوم چنین درگیری هائی را خوب درک می‌کنند و دلیل اصرار بر انجام امر مورد مشاجره روز بیست و چهارم از سوی کومه له را می‌

درمانگاه کاملاً سالم بوده و کلیه ساختمانهای مقرر کومه له ملیرغم آنکه مورد اصابت آر. بی. جی قرار گرفته بود دچار حریق نشده بوده‌اند . و تمامی شواهد گواه آن است که پیشمرگان حزب بعد از پایان درگیری شوشی از فاصله بسیار نزدیک دوتنن از پیشمرگان کومه له را که داخل چادر باقی مانده بودند (شیخ علی و فرح را) به رگبار بستوسپسر جسد آنها را بهمراه چادر درمانگاه با استفاده از نفت چراغ موجود در چادر که بر اثر اصابت گلوله نفت آن به بیرون تشت کرده بودو با پریدن دوطناب ظرف ورودی چادر به آتش کشیده‌اند .

همانطور که گفته شد حتی بنابه شهادت خود پیشمرگان حزب درکات (مخصوصاً س.) بمسد از پایان درگیری چادر درمانگاه و ساختمان مقرر کومه له سالم بوده و علاوه بر آن تمامی شواهد عینی نیز این مسئله را کاملاً تأیید می‌کند که ساختمانهای مقرر کومه له (اتاق کمیته ، اسلحه‌خانه ، اتاق بی‌سیم ، و ... که وسائل آنها قبلاً تخلیه شده است) نیز ابتدا تخلیه گردیده و سپس با نفت آتش زده شده‌اند .

برای درگیری ۲۲ آبانماه آمادگی قبلی وجود داشت؟

آنچه که از مجموع صحبت‌های طرفین می‌توان نتیجه گرفت و وضیعت درونی روابط دو طرف نیز بر آن صه می‌گذارد ، کلاً با توجه به سنگ‌گیری های قبلی ، درگیری های لفظی در موارد مختلف آشکار می‌سازد که خود انمکاس برخورد های طرفین با اختلافات اساسی موجود هر دو نیرو بر سر چگونگی برخورد با حائل منطقه ، بوده است ، نمی‌توان گفت که هیچ کدام از دو نیرو ، از آینده این گونه برخوردها و روابط که در نهایت می‌توانست در غیاب هر گونه راه حل سیاسی تنها به برخورد حاد نظامی منجر گردد ، آگاهی نداشته باشند و خود را برای چنین روزی آماده ننمایند . البته آنها تصور چنین ابعادی را نمی‌توانستند داشته باشند ، و یا در صورت مخالفت جدی با این نوع



توجهی و مستی برخی رفقایشان در برخورد بسه
مشاجرات لفظی طرفین می دانند. از می گوید:
"بر سر رفتن این خانواده ها به پایوه عصر روز
۸/۲۲ درگیری لفظی بین پیشمرگان حزب و کومه له
بوده و حتی ضجر به سنتر گرفتن برای همدیگر شده،
تشکیلات حزب با رفتن آنها مخالفت کرده و حتی (ع.ج.م)
گفته اگر خطا به پایوه برسد آتشی در منطقه روشن
می نمایم. رفتنای ما توجهی به این حرفها نکرده اند و
صستی کرده اند."

ولی به نظر می رسد می باید "حرکات و تجمع
نیروی" مورد نظر می باید آنها را از این بی توجهی
و "صستی" به در می آورد و اگر آنها برای مقابله با
رژیم آماده می شدند، نخست می باید از امنیت منطقه
طمئن می شدند و سیر خانواده های مسزور را صبح
زود از "قه لوه ز" رد می نمودند.
به هر حال آنچه که روشن است پیشمرگان کومه له
در آن شب چه به دلیل نرسیدن احتمال "حطه رژیم" از
"حرکات و تجمع نیروهای حزب" و چه به دلیل مقابله
احتمالی با مقابله حزب با اقدامات مبنی بر رد
کردن خانواده های مسزور نظر "خود را آماده" کرده
بودند و اگرچه حتی "فقط در مقر" چنین امری
صورت گرفته باشد، به هر حال در حال آماده باش بوده اند.
اما بهینیم حزب در چه وضعیتی بوده و جریان
"تحرك و تجمع نیروی" مسزور نظر کومه له چسه
بوده است.

(ب. ل.) پیشمرگه به رگری حزب و عضو شورای
شهر نوسود می گوید:

"شب قبل از درگیری ساعت ۱۰ شب بود که یک
پیشمرگه حزب بنام (ب.ب) به من گفت آماده باش است
صبح ساعت ۳ دنبال می آیم... منم هوشیارانه
خواهیدم ساعت ۳ دنبال نیامد ولی با صدای
تیراندازی از خواب پریدم، حدود ساعت ۵/۵ بود که
تیراندازی شروع شد، وقتی بیرون آمدم تو کویچه با (ب.ب)
برخورد کردم از (ب.ب) پرسیدم چه خبر است. (ب.ب) گفت
جنگ کومه له دسکرات است."

کاک (م.ا.) پیشمرگه نیروی مقاومت حزب که هم
اکنون اسلحه گذاشته است می گوید:
"ساعت ۹ شب که برای فردای آن درگیری بود
از نوسود به دهره تفی بی صیم کرده اند در بی صیم

گفته اند که آن جریان باید باشد ولی آنها در جواب
به نوسود گفته اند "و ملی" مخالف است."
مسئول تشکیلات اوراغان حزب نیز در مورد مخالفت و ملی میگوید:
"و ملی از کسانی بود که مخالف درگیری بوده" و
این امر آشکر می سازد که صاله درگیری با کومه له
قبل از وقوع آن بطور جدی برای حزب مطرح بوده
است، و آماده باش قبل از درگیری نیز با توجه
به برخورد های روز بیست و چهارم آبان ماه در میدان
شهر نوسود، نمی توانسته بخاطر "حطه رژیم" بوده
باشد و بی صیم ها و صحبت های پراکنده پیشمرگان
حزب در اینجا و آنجا و صحبت رد و بدل شده پشت
بی صیم صستی بر انجام حتمی "آن کار" و "مخالفت و ملی"
با آن نیز با توجه به آمادگی حزب و گستردگی اقدامات
آن در درگیری با کومه له و درهم کوبیدن مقرهای
آن حاکی از چیزی جز آمادگی حزب برای احتمال
درگیری با کومه له در صورت پافشاری کومه له بر روی
رد کردن خانواده های مسزور اختلاف نمی تواند باشد.
همه خواهد صیید این امر است که در پی
درگیریهای لفظی، سنگیندیها نیرو جمع کردن ها و
آماده باش دادن های قبلی، صاله درگیری با کومه له
بطور جدی برای حزب مطرح بوده و صحبت پشت
بی صیم حتمی بر انجام حتمی "آن کار" و مخالفت و ملی
با آن نیز نمی تواند جز حطه نمودن به این فکر و انجام
"آن کار" باشد که آماده باش حزب در شب قبل همانطور
که (ب. ل.) کاصلا در جریان آن بوده است در این رابطه
ذهنم پیدا می کند. این آمادگی برای "انجام آن کار"
از قبل تنها بر زمینه و بهانه برخورد مقابل کومه له
توانسته است، فرصت "انجام" باید که حصول آن فاجعه
اورامان است.



در خاتمه

وضعیت بعد از درگیری اخیر

بعد از انتشار اخبار درگیری در منطقه دفتر
سیاسی حزب دسکرات و کمیته مرکزی کومه له هیاتی
را برای اعاده وضع به حالت عادی به منطقه اعزام
نمودند و این هیات دوباره تشکیلات کومه له را که
در حملات حزب دسکرات و در جریان درگیری ۲۵
آبان ماه درهم شکسته شده بود، احیا نمود.
اما انتشار اخبار درگیری و بیاطه های آن ابعاد



فاجعه بار آن را آشکار ساخت که خود اگرچه بیاتگر عقی تضادها و اختلافات دین و نیرو در منطقه در عین حال بیان صریح وضعیت حاکم بر منطقه و روحیات مردم آن نیز بود. کشتاری که از دو طرف در پیش چشممان سر دم صورت گرفته بود، نصی توانست تاثیر خود را در جو منطقه باقی نگذارد. و هر بی اعتمادی بخش وسیعی از اهالی دامن نرتد. تردید و تزلزل در بسیاری را ایجاد ننماید. احساسات فلان نیروی تحت فشار را برنیاگیزد و هواداران نیروی دیگر را ضرور قهر و قنوت خود نوازد. و در مجموع تضعیف درونسی جنبش را حداقل در منطقه بدنیال نداشته باشد.

جریان حوادث و شیوه عملکردها در طول این درگیری آشکار ساخت، کسانی که دم از آزادیخواهی و رهائی مردم می زدند و آنهایی که با جماعات پرطمطراق و پرزرق و برق انقلابی برای آنها خطابه های آتشین ایراد می کردند چگونه خود در سیر پرشتاب حوادث گرفتار آمده، بی آنکه آنان را در دست بگیرند، بر میجهای خونین آن شناور گشته اند و در تلاقی دو صیانت که اینک به زبان گلوله سخن می گویند، ابعاد فاجعه بار چنین روشهایی را تجربه نموده اند و طبیعی است آن نیرویی که در ادامه چنین روندی به هرگونه اقدامی دست می یازد و سلطانطور که در مجموع گزارش آمده است از اعدام تا آتش صوری و غیره فروگذاری نمی کند برای بخش وسیعی از توده ها، بدون تردید، آینده خود را تضمین نموده است. که تنها برخورد قاطع با اهلل و عوامل فجایع اخیر می تواند این زهنیت را تقهیل دهد. بدین گونه است که در حال حاضر جو حاکم بر منطقه جوی تشنج

و آکنده از ترس، وحشت و هراس است. که بر ابعاد آن، تبلیغات گسترده و جدید نیروها و سنگر بندی و آرایش نظامی جدید آنها هرچه بیشتر افزوده است. امروز برخوردهای متقابل نیروهای طرفین به حد بسیار تحمل ناپذیری رسیده است. هر کدام از نیروها در حیطه نفوذ خود مرصه را بر نیروهای طرف دیگر تنگ کرده، بارها تهدید توهین و تحقیر از سوی طرفین دیده شده است و مجموعه این برخوردها منطقه را آهستن حوادث جدیدی ساخته است که بدن کنترل آگاهانه صلما درگیری ای بهرانبیب

گسترده تر و خونین تر از قبل تکرار خواهد گشت و با توجه به ابعاد تبلیغات تحریک آمیز طرفین در سطح صراسری و آماده باش صراسری آنها دانشه آن فقط محدود. به اورامان نخواهد بود. و بدون تردید اگر امروز جنبش انقلابی خلق کرد نتواند بر این سیر پرشتاب غلبه نماید، ادامه آن ضربات مهلکی را بر جنبش وارد خواهد ساخت. و اگر امکان پیشگیری و راه حلی وجود داشته باشد، می باید همین امروز از همین درگیری و با حل ریشه ای آنچه که امروز در اورامان اتفاق افتاده است، عملی گردد. و راه گسترش بی روه و خود بخودی آن را صدود سازد.

این کار قطعا از عهده دو نیروی درگیر ساخته نیست و همانطور که بارها نیز قبلا روی آن تاکید کرده ایم، تنها از طریق تشکیل کمییونی از کلیه نیروهای انقلابی مورد توافق طرفین با اختیارات کافی برای حل قلمی مسائل، و التزام هر دو نیرو به تصمیمات آن می توان به چنین مناصمات کشوری پایان داد. کمییونی که اراده قاطع جنبش انقلابی خلق کرد را تبلور ساخته و بر بنیان های اساسی حاکم بر جنبش کنونی و ارزش های مولود مبارزه کنونی تاکید نماید بر اساس ضافع آبی و حیاتی جنبش نیز نقطه پایانی بر چنین شیوه برخورد هائی نهاده اصول پایدار و مورد التزام را بعنوان اساس رابطه فیما بین نیروهای مختلف در شرایط کنونی جنبش در عمل و در عرصه عملکردهائی بر زمین، درگیری کنونی و حل قلمی معضلات ناشی از آن،

پی ریزی نماید. و با صیجودیت قدرتش و ضروری خود در لحظه بحرانی کنونی بر حوادث معتمصل آینده پیشی گیرد و اگر چنین امری در لحظه کنونی و در شرایط بحرانی کنونی روابط دو نیرو عملی نگردد باید قاطعانه گفت از این پس بسیار دیر خواهد بود و صلما در شرایط احتمالی پیشاروی، دیگر چنین کمییونی نیز هیچ کاری از پیش نخواهد برد. آنچه که تاکنون تشکیک آن بعنوان راه حل آینده طرح بود، امروز دیگر بعنوان راه حل فقط لحظه حاضر طرح است و اگر چنین کمییونی امروز امکان تحقق پیدا نکند و صیجودیت خود را از طریق ریشه یابی درگیری اخیر به اثبات نرساند همانگونه که سیر فاجعه بار حوادث درگیری اخیر که گزارش حاضر گوشه هایی از ابعاد آن را آشکار ساخته است، نشان

می‌دهند. سردا اگر هم زیر فشار سرمختانه واقعیت‌ها
چنین کمیسیون امکان تشکیل نیز بیاید بسیار دیر
خرامند گشت و چنین کمیسیونی مطلقاً کاری از پیش
نخواهد برد.

بسیار ساده لوحانه خواهد بود هرآینه اگر تصور کنیم
درگیری در اورامان پایان یافته است، بلکه با آرایش
جدیدی از نیرو در حال شکل‌گیری صید است و هیچ
چیزی تا به امروز از ابعاد آن نتوانسته است و نتوانسته
است بر روند روبه‌تزیاید تدابیر درگیری آینه
مبار بزند. هرگونه ناگامی اقدامات مشترک دنیرو
و کمیسیون مشترک مورد قبول فعلی آنها وین‌ست
آن، به منزله اعلام جنگ جدیدی برای پیشمرگان دو
طرف نه تنها در اورامان بلکه در سرگشته‌ای از
کردستان خواهد بود. به‌ین‌ست رسیدن کمیسیون
مشترک فعلی دنیرو که اخیراً از منطقه دیدن
نموده است و با بلاشکنشی و بلاشمی کاشی از
منطقه بازگشته و تاکنون نیز هیچ نشانه‌ای از موفقیت
در کار خود را آشکار ن ساخته است. امر کاملاً روشن
و قابل پیش‌بینی است، چرا که این کمیسیون نیز
همچون کمیسیونهای پیشین بدون التزام مبین از
جانب طرفین و به شیوه کندخدا شناخته کار خود را
شروع کرده است و التزام سرنوشت دیگری (بیرونه با
سبک کار و حدود اختیارات و عملکرد کنونی خود)
جز سرنوشت اصلی خود نداشته و نمی‌تواند داشته
بناشد.

البته باید در این جا این نکته را باز هم
خاطر نشان کنیم که مثل بن‌ست چنین کمیسیون‌هایی
را نباید در چگونگی ترکیب و نیروهای متشکل در آنها
بلکه در اساس‌ترین صائد مربوط به نحوه کار و
ضوابط حاکم بر این کمیسیونها جستجو کرد. ریشه
اصلی این ضعف در عدم التزام اجرایی و عملی طرفین
به چنین کمیسیونهایی و عدم پای‌بندی بازم هر دو
نیرو به ضوابط حاکم بر کار چنین کمیسیونهایی نهفته
است که می‌باید با اقدام قاطع، بی‌گیر و انقلابی
خودوجه اضمحلال محدود کردن درگیریهای صلحانه
بین این دو نیرو گشته و بمنزله قدرتی در مقابل
اراده طرفین درگیری عمل نمایند. طبیعی است که
چنین کمیسیونهایی به جای آن که در قبال این یا آن
نیروی طرف درگیر کنونی مسئول باشد در مقابل جنبش
انقلابی خلق کرده مسئولیت پیدا خواهد کرد. و ادا

روشن‌کنونی حزب دمکرات و کومه نه در درگیری
اورامان بخیی نشانگر آن است که نه تنها به ایجاد
چنین کمیسیونی کردن نخواهند داد بلکه هر کدام
از این دو نیرو راه حل نهائی را در اراده همین
درگیریها و شیوه‌های تهرآمیز حل اختلافات جستجو
می‌کنند.

نگاهی به سیاست و برخورد طرفین با ساله
اهمیت جدی تلقی نمودن این وجه از برخورد
طرفین را هرچه بیشتر روشن می‌سازد که نشان دهنده
بی‌انتقادی هر کدام از آنها به کارایی چنین کمیسیونی
نیز هست.

کومه‌له که در درگیری اخیر بهترین کشته و
فدای و ضویات را ضحمل گشته است در برنامه‌های
رادیویی و در انتشارات رسمی خود علناً در صورت عدم
تحقیق خواستهایش خود را برای اقدام مستق و سبک
جنگ تمام عیار آماده می‌سازد. کومه‌له در
"گازده سانی اورامان" می‌گوید:

"اگر حزب دمکرات عملاً بهر تائید بر تمام
عملکردهای مسئولین خود در اورامان بگذارد و از
جنايتکاران این روند دفاع کرده و مسئولیت تمام
جریان را به عهده گیرد، آن وقت ما نیز این را حق
بی برو سرگرد خود می‌دانیم که نیرو و قدرت صلح
نیروی پیشمرگه کومه‌له را برای مقابله و جلوگیری از
این گونه جنايت‌های وحشیانه برای حفظ دست‌آورد‌های
دمکراتیک انقلاب کردستان به کار گیریم و با استفاده
از این حق دست هر جنايتکاری را که ضربه زدن به
نیروی پیشمرگه کومه‌له و نیروی تشکیلات کومه‌له را
موضع خود بدانند، قطع کنیم و مطمئن هستیم که
هیچگاه با ضربه زدن به چنین جنايتکارانی جنبش
خلق کرد تضعیف نشده و مردم ضرافتضد کردستان
به صاحب می‌دهند و از ما پشتیبانی می‌کنند."

این موضع کومه‌له است، او خواهان به‌سزا
رساندن عاملین درگیری و عواقب آن است و ایمن را
عادلان‌ترین راه برای جلوگیری از تکرار فجایعی مثل
رویداد اورامان می‌داند، و اتمام حجت نیز می‌کند
که در صورت تحقیق نیافتن خواست او، او خسود
مستقماً به چنین کاری اقدام خواهد نمود. و در
حقیقت از نظر کومه‌له درگیری هنوز ادامه دارد و
امکان یا عدم امکان شعله‌ور شدن دوباره آن را در
به "سزا رساندن جنايتکاران" می‌داند. در صفحه ۲۶

۲۱ ریه فدان

با فرا رسیدن بهمن، می و نه سال از اعلام جمهوری خودمختار کردستان می گذرد. این جمهوری که در سال ۱۳۲۴ به رهبری قاضی محمد اشپید بزرگ خلق گرد تشکیل گردید. از همان اولین لحظات حیات انقلابی مورد خشم و غضب مرتجعین حاکم قرار گرفت. دولت خودمختار خود را در شهرهای شمالی کردستان مستقر نمود و برای مقابله با تهاجمات قوای دولتی در جنوب کردستان، در کبر جنگ نمود. در نتیجه حاکم علی الظاهر در مقابل آزادی مقاومت نکرده و به عقب نشینی و یک سلسله از حوشتیای خلیق گرد را به رسمیت شناختند. آنچه که واقعتاً نشان داد، عقب نشینی دولت موقت و گذرا بود و اذن با تجدید قوای خود در انتظار فرصتی مناسب بودند تا مجدداً یا یورش بزرگ جمهوری خودمختار آن را از میان بردارند.

یکسال پس از تشکیل جمهوری خودمختار، یعنی در آذر ماه ۱۳۲۵ نیروهای دولتی به پیمان تأمین امنیت برای انتخابات به سمت شهر مهاباد، مرکز جمهوری، سرازیر شدند. در آن هنگام خلق نزد به دلایلی و از جمله نبودن شکل اداره حکومت، فاقد آمادهگی کافی در مقابله با یورش رژیم بود، بدین لحاظ مقابلت با نیروهای دولتی بجز گردید و با استقرار ارتش مردمی اداره زندگی انقلابی جمهوری خودمختار کردستان پایان داده شد.

یکی از مضرترین صائسی که قبک از آغاز یورش نیروهای دولتی، در بین رهبران خلق کرد وجود داشت، با توجه به عدم آمادهگی و توانایی کافی برای حفظ جمهوری، عقب رفتن یا ماندن، یعنی دفاع از حقوق حیثیت و شرف خلق کرد و یا راه دوم عقب نشینی و رهانیدن توده های مردم، بر رزم تبخ سرجمین و سرنگ کردن و ضایع صلح بود. قاضی محمد پیشوای وقت خلق کرد و رئیس حکومت خودمختار ماندن را برگزید. ماندن و دفاع از حقوق خلق کرد، دفاع از مردمی که رژیم پهلوی در مردم انتقام گیری از آنها بود. قاضی محمد ماند و عملاً سنت خطمی را از

و بر احقاق حق و حقوق خلق کرد که ضمن املی مبارزه خلق کرد در راه کسب حق تعیین سرنوشت را تشکیل می دهد، همیشه پای فشرده است.

سرنوشت انقلابی خلق کرد امروز در سرپایداری و استادی را از رهبران اولین حکومت خودمختار می آموزند. رهبرانی که با تعهد و مسئولیتی انقلابی تا آخرین لحظات حیات خویش در میان خلق خود باقی ماندند و در برابر حکومتان با تنگ و ذلت و خوارگی سر تسلیم فرود نیاوردند، بلکه سرافراز و ضرور چومه های دار را برگزیدند.

امروز همه کسانی که صلح به دست گرفته به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی برخاسته اند، باید از این خصوصیت و ویژگی رهبران اولین حکومت خودمختار بیاموزند و با درت شرایط سرنوشت ساز کنونی و شناخت نقاط قوت مبارزه خلق کرد در شرایط امروزی، برای حفظ دستاوردهای ارزشمند و پیشرفت و تمصیق هر چه بیشتر آن بکشند.

با گرامی داشت می و نهمین سالگرد اولین جمهوری خودمختار کردستان، یکبار دیگر بر ستها و آرمان انقلابی آن های فشرده، بگوئیم راهی را که رهبران جنبش خلق کرد بسا فرمائی و از خود گذاشتگی برگزیدند و خون خود را وشقه تحکیم و تداوم آن نمودند تا به آخر ادامه داده و چون انسان به آرمان انقلابی توده ها پشت نکرده و تا به آخر به خلقمان وفادار بمانیم. و با تاکید بر ضمن انقلابی - دموکراتیک جنبش کنونی خلق کرد، بر چشای رهائی کامل از قیدستم طمی و استقرار جامعه مبنی بر حاکمیت انقلابی و دموکراتیک توده ها، و سازمان دهندگان چنین قدرتی از طریق ایجاد و تثبیت ارگانهای ایدار توده ای از طریق درهم شکستن پایه های قدرت نظم کنونی باشیم بجای آن آمده را بر سرانه های وضعیت کنونی بنا کنیم. و همیشه و همواره یاد طلایه داران مبارزه کنونی را در عرصه عمل و با وفاداری به آرمان توده ها زنده نگاه داریم.

خود سر جای گذارد. رهبران وقت جمهوری خودمختار، با تبلیغ اهداف و حقانیت حرکت تاریخی خود و تسلیم شدن در مقابل رژیم پهلوی و دفاع از جمهوری خودمختار، خاصه ای جاودانه از خود بر ذهن توده های زحمتکش خلق کرد باقی گذاشتند و به خون خود، صحت راه و تداوم مبارزه خلق کرد را تضمین کردند.

جنبش انقلابی خلق کرد در آن سالها، بر زمینه عینی اجتماعی - اقتصادی شک گرفته بود و از همین رو نیز بود که طوری سالهای بعد از سرنگونی حکومت خودمختار، با وفاداری به آرمانهای نخستین جمهوری خودمختار، با آفت و خیزهای بیرونی تداوم یافت و از مراحل و تند - بیجهای تاریخی و سرخند گذشت و با وجود سرکوبی ای شدن حکومت پهلوی، بلا انقطاع در این سالها نشانه از کردستان، منطقه های جنبش صلحانه زیاده کشید و موجودیت نظام - آگم و متنگر را نشانه رفت که جنبش صلحانه به رهبری امجدی شریف زاده و معینی و ملا آواره در سالهای ۶۶ - ۶۷ مستقرین آنها بود.

اما مضرترین مقطع در تاریخ جنبش انقلابی خلق کرد و نقطه تحول و شکست آن بهمد از جریان قیام پرشکو ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم شاه بزرگ خلق کرد، پس از گذشت سالها تحمل یوغ و ستم شاهی، با برداشتن گامهای بزرگ به یکی از مهمترین جنبه های توده ای صدد گشت. و با پانشاری بر آرمانهای خود جنبی بر رفع ستم و نابرابری موجود میان طبقات و کسب حقوق دموکراتیک بر زمینه حق تعیین آزادانه تکامل احتمالی طت کرد را در سطح پراسری طرح ساخته، به دفاع از آن برخاست و تا کمن نیز در مقابل سیاستهای ارتجاعی و سرکوبانه رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی و پایداری نموده است.

جنبش انقلابی خلق کرد، طی گذشت ۳۹ سال از شکل گیری نخستین نقطه های خود و اعلام جمهوری خودمختار، تا هم اینک که در حساسترین دوران خود قرار دارد، با تداوم راه پرشکو خود و الهام از سنت عالی فرور آفرین رهبران نخستین جمهوری خودمختار، با استفاده از تجربیات آنها و طرد ضعفها، هرگز از اهداف انقلابی خود دست برنداشته



از صفحه ۱

اصل آئید حزبیت را برای طبقه کارگر ایران بجز از هر زمان دیگری احتساب ناپذیر ساخته است. شرایط اتحاد پرولتاریا امروز از هر نظر فراهم شده است. مبارزه طبقاتی آج و گسترش یافته، سرزنشدهای طبقات به شکل تفکیک پذیری کاملاً مشخص گردیده و جنبش طبقه کارگر توانمندتر از همیشه پیشاپیش مبارزه توده‌ها به صحنه نبرد گام نهاده است. درست در چنین شرایطی است که انواع و اقسام گرایش‌ها و بورژوازی که استقلال سیاسی پرولتاریا را مفایر با ضایع خود می‌بینند، از هر سو تلاش دارند این استقلال سیاسی - طبقاتی را خدشه دار ساخته و پراکندگی را در آن دامن بزنند. همه گرایش‌ها بورژوازی بدت پرولتاریا را هدف گرفته‌اند و سعی دارند از اتحاد آن صانعت به عمل آورند. سرزنش‌های طبقاتی را در هم بریزند، دوستان و دشمنان طبقه کارگر را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی وارونه جلوه دهند و بالاخره طبقه کارگر را از دست یابی به حزب سیاسی خود محروم سازند.

مخبرین خیاری که امروز جنبش طبقه کارگر ایران را از درون تهدید می‌کنند، اشاعه محفلیسم و گرایش‌ها ضد حزبی است. همه گرایش‌ها بورژوازی و خرده بورژوازی که هر کدام زیر نام و نشان گوناگون و در ظاهر مارکسیسم خود را خفی دانسته‌اند، به نوعی دست‌اندرکار رواج محفلیسم و به قهرا کشیدن جنبش پرولتاریائی ایران هستند. آنها همگی تلاش خود را صرف آن داشته‌اند که این جنبش را پاره پاره، گسیخته، غیر منجم و در حال نزار نشان دهند. در این بین عمده حملات ضربه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، این یگانه مدافع پرولتاریا و عمده‌ترین عامل تشکیل و اتحاد طبقه کارگر ایران است.

از عناصر رسوا و جیره خواران خلقی "شورای ملی مقاومت" گرفته تا چپ‌نماترین محافظ دار و دسته‌های پنهان بورژوازی

و خرده بورژوازی که خود را به رنک و لعاب مارکسیسم آرستفانده، در این باره هدف مشترکی دارند. و هماهنگ نیز عمل می‌کنند. آنها طبعاً و بنا حدیث تمام زرادخانه خود را بسوی پرولتاریای ایران نشانه

بسی تفکیک حزب طبقه کارگر علیه بسی - حزبی

آبنام حزب علیه حزبیت

رفته‌اند، تا در چنین شرایطی که طبقه کارگر ایران بنمای حزب سیاسی خود را می‌ریزند، سرزدهای هیئت پرولتاریا را در هم بریزند و آن را مشتت، پراکنده، مجزا و ضعیف جلوه دهند.

البته جریان‌ها ضد حزبی شیوه‌های یکسانی ندارند. بعضی‌ها با اشک تصاح ریختن برای "تشتت" و "پراکندگی" جنبش طبقه کارگر، در حقیقت می‌خواهند همان "تشتت" و "پراکندگی" را به طبقه کارگر القاء کنند، پاره‌ای دیگر برای آن که ضربه بیشتری بزنند، با ظاهر فیلسوفانه این شرایط را "تئوریزه" می‌کنند و به مشابه دوران پراکندگی تاریخی این جنبش به سرنوشت محتوم آن ضربه می‌کنند. در این میان کومه‌له هرآنکه تر از همه با حربه حزب سازی به جنگ حزب آمده است. این عقب مانده ترین جریان خرده بورژوازی که تشکیل پرولتاریا را سخت مغل آمایتر خود می‌بینند، ناچارانه تر از دیگران، دست به کار شیوه کهنه‌ای شده است. کومه‌له تمامی مفاهیم و معیارهای مارکسیستی را در دستکاه تحلیلی خود زیر و رو کرده، با تحایلات عقب مانده دهقانی در هم آخته و تحت پوشش مارکسیسم و به اسم حزب کمونیست تحویل بازار می‌دهد.

اشتیاق قسره‌های رشد - ناپافته، احتمالی، تمایلات غیرمشکل دهقانی و پندار - بانی‌های بی‌نیوخ در تمامی زمینه‌ها و کپه نقطه نظرات

عرض اندام می‌کنند. کومه‌له سرشت دهقانی خود را فقط در تحسم تلاش قطب‌های محافظه کار احتمالی نشان نمی‌دهد. او اشتیاقی به دسته بندیهای مکارینسی را نه تنها در رویکر برنامه‌های و اهداف تاکتیکی، بلکه و بخصوص در دشمنی با گرایش‌ها تشکیل پذیر پرولتاریا و در ضدیت با اتحاد مشترک آنان و خصومت با اصل حزبیت پرولتاری نیز در تمامی تاریخ و بود فعالیت سیاسی خود آشکار می‌سازد. و این همه حزب‌ها را از خصوصیات مهمی در تمامی زمینه‌ها برخوردار می‌سازد که انعکاس آن قبل از همه در مختصات مربوط به جنبش‌های نمایان می‌گردد. این حزب‌ها نیز از آنکه حزب دوران ما باشد حزب اقدامات تاریخی طبقه کارگر و پورش‌های آن به سرمایه جهانی باشد حزب دورانهای صبری شده، نخستین حوانه‌های پیدایش کمونیسم حسی که در ضمن، بلکه فقط در شکل و شیوه برخورد با مسائل مبارزه طبقاتی در شرایط کمونی است. حزبی با مختصات انحرافی خاص خود که پراتیسیسم محدود و حطه پردازیهای انتزاعی و انشایی فدرالیسم خرده بورژوازی و فیسره از جمله بارزترین آنهاست و حزب کومه‌له در حقیقت حزب جنبش انحرافاتی است، نه حزب کمونیست.

الف) کمونیسم انتزاعی پراتیسیسم نامیونالیستی

حزب کمونیست کومه‌له آنجا که به حقوق و اختیارات ویژه تنها سازمان طبقه‌ای خود (کومه‌له) برخورد می‌کند، بسیار صریح، روشن و خالص سخن می‌گوید و خود کومه‌له آنجا که به اهداف نامیونالیستی خود در برنامه و سازماندهی می‌پردازد و به دفاع از خط و منی نامیونالیستی خود برمی‌خیزد، از صراحت کم و بیش روشنی برخوردار است. همانطور که حزب او در آماده نظم موجود در برنامه خود و در تمرکز دولت جایگزین بعنوان یک دولت بی‌چهره و فراطبقاتی صراحت کلام همی دارد. ولی کومه‌له و حزب کمونیست او هنگامی که

۲. بنام حزب

از "کمونیسم" و "اهدای کسوفستی" سخن می گویند، فقط فقط...
تعمیرات انقلابی را...
انگفا می نمایند و رأیت همین سیاست ها و براتیک خود با این تئوری ها را، نه تنها ریشخند نمی سازند، بلکه در عمل به نفس آنها نیز می پردازند.

براستی چرا برای کموندن حزب او کمونیسم هنوز یک ایده محجور و غیر علمی محسوب می گردد؟ چرا از نظر کومند و حزب او کمونیسم هنوز از عالم مجردات ذهنی پای به دنیای واقعیات نگذاشته است؟ و شکست تر آنچه که این ایده محجور در تئوری های کومند و حزب او در طول نزدیک به یکصد و پنجاه سال اخیر، نقش باطنی و فرضی بودن خود را آشکار ساخته است؟ در مبارزه طبقه کارگر در طول این یک قرن و نیم اخیر هیچ گونه باارتاب قابل ذکر و ارزشمندی نیافت و به مادیت تبدیل نگشته است و اینکه تنها در روسیه و بیروت حزب کومند به سر ای اولین بار چشم بر جهان واقعیت گشوده است؟ و چرا حزب کومند تنها بر سه خسران تاریخی طبقه کارگر تکیه زده است و مداخل بازگشت ناگزیر در تسای زمینه ها گردیده است؟ چرا حزب کومند هنوز در دوران پیدایش نخستین جنبه های سوسیالیسم صبر می کند و از نقطه نظر تئوروسین های این حزب جنبش کمونیستی و کارگری بدون ریشه و پیشینه معرفی می گردد؟

حقیقت این است که کمونیسم کومند نیز همچون خود او در عالم تفکرات قبل از مانیفست کمونیست میر می کشد. سوسیالیسم کومند، چه بسا در آشنای انیست های خرد و جزوای دوران اول سرطیه داری را بیشتر تداف می کند تا مانیفست کمونیست و ادامه بلا انقطاع حرکت پر تحرك و پهنده طبقه کارگر از مانیفست کمونیست تا کنون را. و اگر کومند و حزب او بناگذر در حرف و ادسا به دوران مانیفست بازگشت می کنند و به ترسیم شیخ مهب کمونیسم در دوران حاضر صنادرت می ورزند، این امر دقیقاً ریشه در واقعیت های تاریخی متفاوت امروز با دوران صبری شده دارد. کومند و حزب او شیخ دیرین را برای نفسی واقعیت امروز و روح دوران مرده را برای کومند

از زندگی جاری در دوران حاضر استوار نسوده اند. تئوروسین های پوزر زوای کومند محسوب درک کرده اند در شرایطی که شیخ دیرین امروز به واقعیت نفسی مبدل گشته است برای نفسی واقعیت امروز، هیچ رأی آماتس از جسمیدن به شیخ دیرین نیست. کومند و حزب او شیخ را برای مقابل با جریان واقعی مبارزه طبقه کارگر برگزیده اند، تا تسایلات انصار کومند ضد تئوروسیتی خود را در زیر سایه وسم نیز این شیخ بنیسان ساخته و بدین وسیله از طریق نفس حرکت مترك تاریخی طبقه کارگر در دوران معاصر، جانی و خصای برای ارضای تمایلات طبقاتی خود به نام طبقه کارگر پیدا کنند و بنام طبقه کارگر به تحطبه اهداف و دستاوردهای آن پردازند.

حزب کومند و شرکاء او پیش از آن که حسی کارگر تئوری از حزب دوران حاضر که هیچ طبقه مانیفست کمونیست باشد، حزب هرام از هرگونه تشکل حزبی و وظیفه حزبی و حزب بی حزبی است و در یک کلام حزب گذشته نه در ضمن بلکه در شک محجور آن، در شرایط امروز و در مقابله با ضمن حزب امروز است. حقیقت این است که اگر حزب دوران مانیفست حزب تدوین تئوری کمونیسم و ادامه آن در مرحله خاصی از رشد جامعه سرمایه داری و حزب انیست حقایق پرولتاریا در طبقات تاریخی - جهانی از طریق نفس بنیسان - های تفکر حاکم بر جامعه دوران خود بود، حزب امروز می باید حزب رهبری کند. تحولات مورد نظر آن سالها در دوران سخت مبارزه طبقاتی جاری باشد. فاصله دوران کومندی و دوران مانیفست و ماقبل آن همه آن چیزی است که ماهیت تلاش های حزب کومند را بر ماسا می سازد. فاصله ای که هیچ حزب واقعی و نه کارگر تئوری نمی تواند چشم خود را بر آن بیندازد. فاصله ای که طی آن جنبش کارگری و کمونیستی جهانی هزاران تحربه بیبار و قدرتی ملی را

در پرورش نمود به نظام سرمایه داری پشت سر گذارده و به سوزی های تاریخی نظیر ناسل گردیده است. حزبی که این همه را ندیده بیانکار نمیتواند حسی یک نام علمی نیز در جهت هدایت مبارزه طبقاتی در شرایط حاضر بر داند.

اگر در دوران اول سرطیه داری طرح برنامه ای کسبی در جهت ارائه آرمایای تاریخی پرولتاریا برای کام گذارین دوره تبدیل شیخ به حضور کمونیسم که بارتاب حضور همه جانبه طبقه کارگر در جامعه و تفکر حرکت اجتماعی آن، بمنزله یک ضرورت صرم بود ضرورتی که از شرایط حاکم بر طبقه کارگر و سطح رشد و آگاهی و تشکل آن طبقه می گشت، در دوران ما یعنی عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاری و دوران اضحلال و تندیدگی سرمایه جهانی و گذار به سوسیالیسم، نه تنها جنبش کمونیستی عرصه های بسیار گسترده ای را در ارائه جزئی ترین مسائل مربوط به سرنگونی نظم سرمایه داری بازگشوده است، بلکه پاسخ به نیازهای تشکل و شکلهای مبارزه طبقاتی و الزامات حسی آن نیز چنین برخوردارهای همه - جانبه و شخصی را به سر عاجل حزب کمونیست مبدل ساخته است. به عبارت دیگر زمانی که هنوز کمونیسم در حد شیخ مطرح بود و مانیفست کمونیست برنامه تعیین اجتماعی بخشیدن به این شیخ و افشاکر ماهیت مدعیان رشاکر سوسیالیسم در اشکال مختلف بود، مبارزه طبقاتی جاری در جامعه آن روز نیز از رشد و شکلهای محدودی برخوردار بود و این محدودیت ریشه در حرکت تاریخی طبقه کارگر داشت و هنوز آرایش طبقاتی جامعه در کشاکش انقلابات و در تقابل سسای خونین در سسایر جهانی شکل کاملاً صابری به خود نرفته بود. هر چه ای که با اولسین انقلابات بعد از مانیفست یعنی انقلابات ۱۸۴۸ و در تعداد زمین خونین پاریس در کمون پاریس پای به عرصه های کیفی تریس گذاشت و با انتقال به قرن حاضر و انقلاب روسیه گام های حسی را به پیش برداشت و در نهایت با استقرار نخستین دیکتاتوری پرولتاریائی و نظم سوسیالیستی در جهان

آینام حزب

تحول بنیادین شدیدی را در تاریخ
بشریت به مقصد شهرت رسانیده
در چرخش تاریخن مبسوط با بوجورد
آورد و ...

تنها در جریان انقلابات
۱۸۴۸ بزرگ از نقطه نظر
پیشرفت مبارزه طبقاتی و تفکیک
طبقاتی روشنی در جامعه
سرمایه داری و در جریان تقابل
خویش قدرت حاکم و طبقه ای
که با حرکت خود این قدرت را
صورد هجوم قرار داده بود
به وجود آمد و ساله کسب قدرت
از شعوری به واقعیت همی حرکت
طبقه کارگر پای گذشت تفکیکی
که قبل از آن صبر نبود
و حزب مانیفست کمونیست تنها
با ارزیابی تحولات پرولتاریا
در این انقلابات و هدایت آنها
بود که گام هاشی به مراتب
بزرگ تر و فراتر از نقطه عزیمت
خود را در عرصه هدایت مبارزه
سیاسی طبقه کارگر به پیش
برداشت. به همین لحاظ نیز
حزب دوران اول عیبه "ظلم از
مخمسه های بارز مبارزه
طبقاتی پرولتاریا و مرحله خاصی
از رشد آن در شرایط خود بود
همانطور که حزب امروز بمنوان
گردان پیشتاز طبقه مسی باید
از مسخسه های کنونی مبارزه
پرولتاریا در عرصه های مختلف
آن برنامه و سیاست و حرکت
خود را استنتاج نماید. حزب
امروز صلماً نمی تواند در
ارمانخواهی دوران اول درجا
زند؛ بلکه می باید در پیشاپیش
تاریخ و در عرصه های مختلف
صیروزه در جایگاه تحتی بخشیدن
به آرمانهای کمونیستی باشد.
و اگر مسخسه حزب دوران اول
را انبیا حقیقت تاریخی - جهانی
صفت کارگر از یک سوی و
شاهر در جهت ایجاد سازمانی
برای هدایت مبارزه طبقه کارگر
در تمامی عرصه ها از سوی دیگر
تفکک می داد و ضمن فعالیت
چنین حزبی در شرایط خاص
خود قبل از همه یک مسخسه
پیشتاز تاریخی بود، وجه مسخسه
حزب دوران ما را حرکت عملی و
مسخسر در جهت مادیت بخشیدن
به این نقش تاریخی - جهانی در
تمامی ابعاد آن از طریق هدایت

مبارزه طبقه کارگر در شرایط
مسخسر کنونی تاریخ مشرت تشکیل
می دهند. و ضمن فعالیت آن نیز
انبیا حقیقت است همیشه
کارگر، بلکه تحتی بخشیدن بدین
حقیقت تاریخی در مسخسر
آن است. حزب دوران ما
نمی تواند یا تکرار کلیات حزب
دوران اول در مبارزه
مبارزه طبقاتی و غیره طبقه
کارگر را رهبری کند، بدین آن که
این کلیات را در جزئی ترین امور
جاری مربوط به پیشبرد مبارزه
طبقه کارگر به کار بندد. حزب
دوران ما با تکیه بر کسب راهیم
بجود پیشتر از آن که اشتداد به
این مسخسر را انبیا نماید، به
بسی اشتدادی خودبه آنها را به
تصایر می گذارد.

حزب کومه که آنچه در تمامی
عرصه ها هیچگاه از مسخسه های
حزب دوران ما را از انبیا از
مسخسه های حزب دوران اول یعنی
حزب مانیفست کمونیست نیز جاری است.
این حزب در حقیقت حزب
رحمت به دوران کهن نه - حرکت
در مسخسر، بلکه ساداً در شکل
و در ظاهر آن است. چرا
که وفاداری به ضمن حزب
دوران مانیفست در مسخسر
کمونیستی فعالیت امروز صملی
می گردد و نه در بازگشت تاریخی
پارونه و ترمالیستی به آن. این
گونه بازگشت به عقب در حقیقت
تسریر از واقعیت عظمی و ضافت یک
حزب واقعی و نهایتاً در جهت
تخلسه این ضافت است. بازگشتی
که نه الزامات حرکت تئوریت عملی
چینتر کنونی، بلکه گریز از آنرا
در بدترین شکل خود آشکار
می سازد. این بازگشت به گذشته
فاند مسخسه - اساساً به فرمالیم
گذشته و در جهت احیای مخالف
تئوریک و صبک کار آنها، در صصر
خیمترها و انقلابات پرولتاری
است و بیشتر از همه بیانگر
مسخسه تاریخی احیای تمایلات
انیمپنی و مسجور خرده بورژوازی
مراضان از روند انقلابی مبارزه
طبقاتی جاری است تا اقدامات
تاریخی طبقه کارگر در تمامی
بجود مبارزه خود.

حزب کومه که در حقیقت در
این رحمت، بیجانته خود
تمایلات صملی در شرایط جدید
را که جریان مبارزه طبقاتی در
آن خیزد و پیشرو در مسخسر
چنین گرایش را در اشتداد
مسخسر آن به طور صبرده است،
نمایندگی می کند. حزب کومه که
حزب تئوری همه جانبه در جهت
احیای این تمایلات به شکل و
شیوه و توجهات تشریت جدید
و مسخسر به خود است. بیبوده
نیت که حزب کومه که حزب
تفکرات انتزاعی و برجسداد
تفکر محضی در صدفیقت و
شرایطی از مبارزه طبقه کارگر
ایران است که مسائل مسخسر از
تبدیل هدایت مبارزه طبقاتی و
رهبری بیروزمند پرولتاریا در جهت
کسب قدرت سیاسی در مسخسر
اساسی و مسخسر آن طرح است.

حزب کومه که حزب احتضار
مخطلیم و آخرین دست و پا زدن
- های چین تفکری در تمامی
بجود آن است، حزب هرایی از
انقلاب پرولتاری در قالب حملات
پرومکراتی و انطهای مسخسر و
تفضیل انقلابی است.

ماهیت واقعی حزب کومه که
انماهای کمونیستی آن زمانسی
عریان و آشکار صر کرد که این
"حزب" تک یاخته برای خود را
بسر زمین سخت مبارزه طبقه
گذاشته و تمایلات عمیق طبقاتی
خود را در سیاست ها و اهداف
و عملکرد برنامه ای خود روشن
می نماید. و در برنامه خود از
سرمایه داری بطور کلی مسخسر
می گوید و در مرحله کنونی امر
صادر، سرمایه های اصرالیستی
و سرمایه های ضلعی به وامسگان
و دلان آن را به فراچینی
می سیارد و کنسرت کارگری و
شوراهای کارگران و دهقانان را
از ضمن تپی می سازد و ...
از نفس انترناسیونالیسم پرولتاری
آغاز نموده در ترمالیسم
خالص و عیان کومه که درجا
می زند و اشتراستی خاص،



ما در این زمینه قبلاً بطور مسخسر با برنامه این به اصطلاح
حزب کمونیست و قبل از تشکیل آن بر خور کرده ایم و تمایلات
بورژوازی طبقه در برنامه این "حزب" را روشن ساخته ایم.
مراجعه شود به کارکاتوری از برنامه حزب کمونیست در کتاب
"سوسیالیسم دهقانی در پیشتر مارکسیسم انقلابی" طاقانه
اول از انتشارات شاخه کردستان.

۲- پیام حزب

بیروزی خاص، حتمی و اختیارات ویژه آن را نشوریه می‌کند و در پشت منتهی اوهاام می‌گردد و انتزاعی تحت عنوان "کسار کمونیستی" و غیره متکرر می‌گردد در حقیقت این تشکلات انتزاعی برای کومه له و حزب او حیلای ضرور برای حرکت علمی گرایش درونی است. درست به همین دلیل نیز گذشته و موجودیت جنبش کمونیستی تا آنجا به کار کومه له و شرکا می‌آید که حله‌ای بر قبای آنها شده و گرهی از مشکلات آنها باز نشاید و برای تحایلات درونی کومه له و شرکا، نتیجه تضرر و بتراشد.

طبیعی است که در عرصه داخلی نیز حزب کمونیست کومه له می‌باید خود را زانیده محفل بازی های همین چند سال اخیر صرفی نماید و علناً به فقدان هرگونه ریشه‌ای در جنبش کمونیستی و کارگری در عرصه علمی اعتراض کند و "مارکسیسم انقلابی" خود را محصول بی‌بدیل محفل بازی های همین چند سال اخیر بداند.

حایگاه طبقاتی حزب کمونیست کومه له زمانی بهتر روشن می‌گردد که این حزب عرصه بیشتر گام در عرصه برخورد به مسائل شخص می‌گذارد و در عرصه تشکلات درونی و وظائف مربوط به سازماندهی توده‌ها بین کمونیسم مجرد و عملکرد نامرتبالیستی کفه سنگین را به دومی داده و گرایش درونی خود را آشکار می‌سازد.

ب) قدرالیم خرد و بورژوازی
بجه ضخمه طبقاتی حزب کومه له

حزب کمونیست تجسم وحدت و اتحاد بیرونتاریاست. به همین ظهوم که بنا به گرایش طبقاتی و تاریخی و عینیت مادی طبقه کارگر آزاد، یک حزب متحد و منتهی بر بالاترین حد تمرکز سازمانی است. چنین تمرکزی بازتاب عینی و مولود حیثیات

اجتماعی طبقه کارگر و محصول ناگزیر نقش تاریخی او در پیوستن اجتماعی و رسالت او در تغییر بنیان های جامعه طبقاتی و ایجاد جامعه ای عاری از هرگونه نابرابری اجتماعی و کمونیستی است.

در جامعه سرمایه داری و در روند رشد نیروهای مولده بنیچار و پرحصب ضرورت و خارج از اراده این یا آن طبقه تولید اجتماعی به سمت اجتماعی شدن سوق یافته و بیشترین حد تمرکز را در میان بخش وسیعی از جامعه یعنی پروتشرهایی که تا قدر هرگونه تمک خدجی جز نیروی کار خود هستند ایجاد می‌نمایند و بدین وسیله از یک سو با صلب مالکیت از بخش وسیعی از توده ها ثروت های اجتماعی را طاقی نموده و بهترفته ترین تکلیف دستاورد های ششم بشری را درجهبست احتمال آن به کار می‌گیرد و برعکس گرایش اجتماعی این تمرکز، تمک خدجی اقلیتی از جامعه یعنی طبقه سرمایه دار را بر آن حاکم می‌گرداند و از سوی دیگر اکثریت صلب مالکیت شدگان را درجهبست به گردش درآوردن چرخ تولید اجتماعی در مجتمع های گسترده و بسزرگ ضرور ساخته و با استثمار نیروی کار آنها، حاصل دسترنج این اکثریت را به نفع اقلیت سرمایه دار و به جیب آنها سرانبر می‌کند. و از همین حاصل استثمار نیز ارگانهای ویژه (دستگاه بوروکراتیک و نظامی سرمایه داری) توسط این اقلیت برای حکومت بر همین آفریتندگان ارزش های جامعه ایجاد می‌گردد.

آنچه که اهمیت اساسی دارد، در این تمرکز اکثریت صلب مالکیت شدگان که تحت نظم معینی درآمده و این تمرکز دائمی و روزافزون آنها در تولید اجتماعی کیفیت نهی را در روند حرکت اجتماعی آنها به وجود می‌آورد که از حد یک کارخانه یا مجتمع تولیدی فراتر رفته در مقیاس ملی و بین المللی طبقه پیشتاز جامعه را از یک سوی مضمات ویژه معینی برخوردار می‌سازد که اصلی ترین آنها گرایش عینی و عینی به تمرکز نیرو و تولید علاقه های مشترک و اهداف مشترک

در درون طبقه ای است که از یک سوی از هرگونه تعلقی که او را به جامعه کهن وابسته سازد آزاد و رهاست و از سوی دیگر از معینیت و صورتت مشترکی نه تنها در تمامی مجتمع های تولیدی و در تمامی کشور معین بلکه در سراسر جهان برخوردار است. درست همین خود ویژگی طبقه کارگر در تولید اجتماعی و ضرورت اتحاد طبقاتی او برای تغییر بنیان حاکم بر شرایط زندگی خود نیز هست که من به تمرکز درونی و همبستگی عینی درونی آن را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین المللی نیز توضیح می‌دهد. این خصیصه زمانی که در عصر خود آگاه طبقه کارگر و مبارز رز شده آن یعنی حزب کمونیست به صادیت مبدل می‌گردد خود را در تمرکز درونی و استحکام و رهبری متحد و ضرور آن از یک سوی و پای بندی و استواری بر اصل انترناسیونالیسم پرولتاری از سوی دیگر آشکار می‌سازد.

بینیم حزب کمونیست کومه له در این زمینه چه گرایش را نمایندگی می‌کند، گرایش اساسی حرکت تاریخی- طبقاتی و مبارزاتی طبقه کارگر یا ضد آنرا؟

حزب کمونیست کومه له و خود کومه له در جنبش ایران متکرر بدعت های جدیدی شمتند که ما بطور مشخص در برخورد به امر پیوند با جنبش طبقه کارگر و اهمیت حیاتی آن برای یک حزب به مثابه رهبر این طبقه و سربرآوردن چنین جنبی از کوران مبارزه طبقاتی و آمیزش سیالیسم علمی با این مبارزه و آموزش و ارتقا در جریبان همین مبارزه بکرات قبلاً سخن گفته ایم و آشکار ساخته ایم که حزب کومه له و منجه فاقد چنین خصلتی و اساساً چه از لحاظ عملی و چه از لحاظ نظری در نقطه قابل چنین پیشی قرار دارند. این امری است که تشریح های کیسر کومه له آن را حتی تشریح هم نموده اند.

برای حزب کومه له که برخلاف یک حزب کمونیست واقعی فاقد هرگونه نه تنها پیشینه مبارزاتی در عرصه های مختلف آن، حتی پیشینه تاریخی است و خصیصه

لیست بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

۲. بنام حزب

بورژواها، حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست، حزب ترمز، حزب دمکراتیک، حزب آزاده، پروتساریا، حزب آقایی و اتحاد توده های طبقه کارگر و حزب تشکیل پیشتاز انباشت.

حزب طبقه کارگر حق نیست برنامه خود را نه تنها از حقیقت تاریخی و صحنای طبقه کارگر، بلکه از شخص ترین وجهی روزگار مبارزه طبقاتی استنتاج می کند. اما حزب خرده بورژوا به تبع موجودیت اجتماعی توده های مادی خویش نه تنها قادر به درک محتوا و ضمن مبارزه طبقاتی و ایجاد و آینده آن نیست، بلکه برنامه و اهداف خود را از ضروریات آن متابع خود نتیجه می گیرد. به همین دلیل نیز چنین حزبی برخلاف حزب کمونیست برنامه و سرانجام خود را نه از جریان عینی مبارزه طبقاتی جاری، بلکه از خواهی این طبقه منبسط می گیرد. از آن بخش از حرکت اجتماعی که برای او فقط رزیت و درک است و در دیدگاه محدود او بمنزله تنها حقیقت موجود تجلی می گردد. حزب خرده بورژواها همچون حزب کومه له ایده های خود را نه از یکن زندگی واقعی، بلکه از تضعفات و انعکاس های آن استنتاج می نماید و همیشه و همواره از برداشتن به مسائل اساسی مبارزه طبقاتی اباداشته در تفریب های آن سردرگم گشته و سردرگمی های خود را تشریح می نماید. و بطریق اولی در مبارزه آیدئولوژیک نیز این روش سرخورد را با جیبیدن به حواسی و طفره رفتن از واقعیتها و سرخورد با مسائل گرهی همیشه نمایان می سازد.

حزب خرده بورژواها همچون حزب کومه له با درهم ریختن سرزهای شخص نه تنها در عرصه تقابل طبقات اجتماعی، بلکه در تمامی زمینه ها تلاش می کند جایگاهی برای موجودیت خود باز کند. تضاد قیاسی نیست که برای کومه له و حزب او ضرورت هرگونه برخورد معینی به پدیده ها را موجودیت خود الزامات علی و ذهنی سنت آنها تعیین می نماید و نه واقعیات مبارزه طبقاتی. کومه له فاقد این دید روشن است که همه پدیده های اجتماعی حتی حزب سازی آن نیز ناشی از چگونگی برخورد

حاصل می کند و این آخری یعنی اترناتیو با رگش به دوران طلایی صوفی قرون وسطی، بیان گرایش ارتجاعی این نیروی اجتماعی است و از همان تعلق او به پایتیک ناچیز خود و صون داشتن آن از هرگونه گزند نیز ناشی می گردد. این گرایش طبقاتی در عرصه برنامه و سازماندهی نیز بیان خود را نه در جهت ایجاد یک جامعه ترمز و از طریق حرکت متحد و عینی، بلکه از طریق ایجاد تفرقه و تشتت، اعلام استراتژی های جداگانه متناسب با ضایع آنی خود و تفرق و تفرعن خود بینانه آشکار می سازد. و نتیجتاً حزب خرده بورژوازی نیز نه تنها حزب پیشارچه کاسی که از هرگونه تعلق معینی از قبیل تعلق ملی و مذهبی و غیره صرا باشد، نیست، بلکه دقیقاً حزب تعلقات مبین و تضایفات غیر طبقاتی منضم می باشد و آنچه که رهنمون عمل او نخواهد گشت، همانا برنامه واحد رهبری واحد و سازماندهی واحد است. حزب خرده بورژوازی باید هم حزب حقوق و اختیارات ویژه، استراتژی های ویژه، رهبری ها و کمیته مرکزی های ویژه باشد، به بیانی روشنتر حزب او هم نه حزب کمونیست و حزب اتحاد پروتساریا، بلکه باید حزب دارو دسته ها، فرق ها و باندها و محیط تحمل ناپذیر گرایشات انگلی این سرچوب متذبذب و ضلزل باشد. چنین حزبی نه تنها از ماتریالیسم دیمکراتیک پرولتاری فرسنگها دور خواهد بود، بلکه اصولاً با نفس عملی ماتریالیسم، هرگونه دمکراتیسمی را نیز مدفن خواهد ساخت و هرگونه حق انتخاب و حسی انتقادی را از صدر تا ذیل، از توده ها طلب نموده و به اراده دارو دسته ها و بندوبست ها و انتضایات و غیره میدان عمل گشوده خواهد داد. و به همین دلیل نیز دوران روش چنین حزبی دقیقاً دوران افول و انحلال آن همراه خواهد بود. تولید چنین حزبی در رهبر اساسی خود سرک ناگزیر و حتمی آنرا حاصل می کند.

اما برخلاف حزب خرده -

پس آن را نه استحکام درونی آن در جریان مبارزه، بلکه سیالیت ذاتی آن تشکیل می دهد. از آنجا که خود نه محصول دیالکتیک بیخبر و بیسازار طبقاتی و تعیین انسانیت سرچوبی است، با چنین ناگزیری سر به بر سر مبارزاتی محدود و ننگه منحصراً فقط جنبه صوری مبارزات مادی و مادی و گداریان معلق به ماتریالیسم انتزاعی مبارزه کشایی است. سر پیوند با طبقه مادی و مادی خودخواهی آینده

شخصی از این امر و چگونگی برخورد با آن - امری که بسیاری میجویند، یک حزب حیاتی است. این امر به مباح جدیدی را نیز به جنبه عینی داشته است که به سهولت آنرا با آوردن مبدع الیسم به محدود و تشکیل "کمونیسم" و دفاع از آن در تمامی عرصه ها و تشنه رزیت و وصل نمودن آن است. چنین گرایشی که به صمیمیت از آن را که از ترمز و کمونیسم با هر گونه ترمز ضدی تشکیل می دهد و عمدتاً بر تضایفات غیر طبقاتی از جهت تعلق ملی و خود از قبیل قومی و نژادی و نژاد های خاص و نژادیت یافتن بر سر دیگران و ... تشکیل می دهد، ریدیات نیست. صمیمیت که در عرصه مبارزه بورژوازی کاسی را تحت نظر و بدین ایده و راه نمایی می کند.

خرده بورژوازی از هر گونه ترمز هرمان است. از کمونیسم ایجاد یک اراده متحد که بیان خود را در یک حزب تدوین و یک رهبری ترمز آشکاری سازد، گریزان است. چرا که قدرت عمل محدود او را در حوزه عملکرد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ضعیف می نماید. بر تضایفات و تضایفات درونی او خطریطلان کشیده، ضایع حقیقتی که او را بر خلاف طبقه کارگر، در حفظ همان تعلق به اندک مایه یک خصوصی است، در عین می کشد و اراده محدود و دید محدود و دنیای کوچک او را در هم می ریزد. از این روست که خرده بورژوازی بنا به تعلق حقیقی به مایه یک بنور و صبر خود، همه چیز را از صغری همین موجودیت اجتماعی خود می کشد. و غیر از مبارزه عینی خود علیه تسلط سرمایه داری بزرگ و انحصاری و ترمز در تالیات میل باطنی عینی را نیز بسیاری بازگشت به دوران صوفی در خود

سیاست سرمایه‌داری

از صفحه ۳۰

روانده زندانبانان می‌کنند، خانه -
هایشان را در برابر چشمانشان
به آتش می‌کشند، اموال آنان را
بدیانت می‌برند، به اخاذی مالی
از آنان دست می‌زنند و از اولینین
حقوق و آزادی‌ها محروم‌شان
می‌گردانند. اقداماتی که نیه
یکبار و دوباره نه در اینجا و آنجا
بلکه عملاً مدت‌هاست که به
شیوه مصلوب رژیم علیه توده‌ها
مبدل گشته است و این امر بیانگر
تلاشهای رژیم برای تضعیف پایه‌های
ملی مبارزه کنونی، یعنی جنبش
تدوین شده‌ای در کردستان
است. یعنی ضربه زدن به همان
چیزی که طی گذشت بیش از سال
بمقابله مدعی عظیم نظامی
سیاست‌های رژیم در تمامی عرصه‌ها
را بی‌فروغ کرده است. رژیم
سیاست سرمایه‌داری اجباری را نیز
همچون دیگر سیاست‌های
تضعیفی خود، از مدت‌ها پیش در
کردستان اتخاذ نموده و بسا
صرف نیرو و امکانات بسیاری آن را
دنبال نموده است، تا بلکه بسا
فرستادن به خدمت اجباری،
جوانان کردستان را از یک سو
از پیوستن دم‌افزون آنان به
صفوف پیشمرگان انقلابی باز -
داخته و از سوی دیگر آنان را
با روانه قلک‌های جنگ ایران
و عراق ساخته و قربانی طاج
جنگ طلبانه سرمایه داران و
حکومت‌گران تصاید و با در ضابط
مختلف کردستان آنان را به
جنايت علیه توده‌های زحمتکش
و خیانت به آرمانهای انقلابی
خلق کرد و امار سازد.

اما تاکنون مقاومت‌های
گسترده و اعتراضات پرطنه
زحمتکشان در مقابل سیاست‌های
ضد خلقی رژیم و پورشهای
مزدوران جنایتکار آن، باعث گشته
است که رژیم نتواند در پیشبرد
چنین سیاست‌هایی هیچگونه
موفقتی کس نماید و رژیم
در مواجهه با ابعاد گسترده
مبارزات توده‌ها، با مواجه هرچه
پیشتر و روزافزونی نیز روبرو
گردیده است.

رژیم سرمایه‌داری اصلاحی در
ماهیهای اخیر نیز تلاش گسترده‌ای را
به کار گرفته است تا سیاست‌های
سرکوبانه خود بر علیه سرمایه‌داری
اجباری را، به اجرا در آورد. ولی
واقعیت تقابل توده‌ها با اینگونه
سیاست‌ها و مقاومت یکبارچه
آنها، هرگونه تلاش رژیم را بسا
شکست روبرو ساخته است. ما در
ذیل نمونه‌های چندی از تلاشهای
مذبذبانانه رژیم در دو ماه گذشته
و مقاومت توده‌ای در برابر این
تلاشهای ارتجاعی را می‌آوریم:

- در روز ۲۰/۹/۶۳ همدان
- آبار یکی از محلات
فقیر نشین شهر صندج،
شاهد پورش مزدوران صلح
رژیم بود. مزدوران که تمامی
حلقه و کویه‌های اطراف آن را در
حلقه محاصره گرفته بودند، با
ایجاد مهل و وحشت و آزار اهالی
موفق گردیدند حدود ۱۰۰ نفر
از جوانان محل را که از خانواده
های محروم و زحمتکش هستند،
دستگیر نمایند. این عمل صریحی
از اعتراضات مردم محصل را
برانگیخت و عده‌ای از جوانان
توانستند از چنگ مزدوران
گریخته، محل زندگی‌شان را ترک
کهند و عده‌ای از آنان توانستند
خود را به پیشمرگان برسانند.

- در ضابط مرستان،
دیواندره، صندج، گایاران و
خصوصاً در منطقه زاوه رود و
کلاترزان مرستان، که رژیم با
استقرار پایگاههای نظامی در
آنها به آزار و اذیت زحمتکشان
پرداخته است. مزدوران رژیم
آنها "بظور گمراهه دست به
سرمه‌گیری زده اند و گردان
ضربت مرستان، ماصور اجرای این
سیاست گردیده است. در این
منطقه مزدوران رژیم هر شب
چندین روستا را محاصره می‌کنند
و جوانان این روستاها را دستگیر
و روانه پایگاه آموزشی سروآباد
یکی از بزرگترین پایگاههای
منطقه می‌کنند.

در اوائل آذرماه روستاهای
"جانوره پائین" و "جانوره بالا"
و "چاولگان حاجی" و "چاولگان زینر"
به اشغال مزدوران رژیم
درمی‌آید. عده‌ای از جوانان
دستگیر و به یادگانه فرستاده
می‌شوند تا از آنها به جبهه‌های
جنگ اعزام گردند. اهالی این

روستاها روز ۹/۱۰/۶۳
اعتراض به شهر مرستان رفته و
در مقابل یادگان شهر تجمع
می‌کنند. و خواستار آزادی
دستگیر شدگان می‌گردند.
مزدوران و تنی اتحادیه یکبارچه
زحمتکشان را می‌بینند، بناچار
عده‌ای از دستگیر شدگان را
آزاد می‌کنند.

در یک مورد دیگر نیز:
اهالی روستای "ضانه" در
منطقه مرستان، که از سیاست
شوم مزدوران ضد خلقی آگاهی
داشتند و خود را برای پورش
مزدوران آماده کرده بودند،
فرزندان خود را برای رهائی
از جنگال مزدوران از روستا
خارج و به ضابط دیگر فرستاده
بودند. مزدوران بعد از پورش
خانه گردی را آغاز می‌کنند. آن
پس از صلحاً تلاش و جان کندن
موفق به دستگیری تنها ۸ نفر
می‌شوند. لازم به یادآوری است
که این روستا حدود ۱۵۰۰ آلی
۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

در مورد دیگری نیز
مزدوران رژیم طی صبه روز
شوالی ۱۰/۱۱/۶۳ آذرماه
به روستای "صی بن" در منطقه
زاوه رود پورش برده، به تهدید
و آزار مردم صی بردارند و تلاش
می‌کنند فرزندان زحمتکشان این
روستا را دستگیر و روانه پایگاه
سروآباد کنند. اهالی روستا
دست به اعتراض صبح می‌زنند.
مزدوران برای مقابله بسا
اعتراض گسترده آنها اقدام به
تیراندازی می‌کنند و یکی از اهالی
زخمی می‌گردد. مزدوران رژیم
با این تیراندازی و دستگیری
چند نفر فکر می‌کنند
می‌توانند اعتراض مردم را
خاموش نمایند. اما اعتراض
اهالی روستا ضد و یکبارچه
ادامه پیدا می‌کند که نهایتاً
ضربه آزادی دستگیر شدگان
می‌گردد.

نیز در روزهای ۱۱ و ۱۲
آذرماه روستای "لنگه ریز"
در منطقه مرستان صورت پورش
قرار می‌گیرد، و هنگامی که
مزدوران برای دستگیری
جوانان به آزار و اذیت و خانه گردی
صی بردارند، زحمتکشان روستا
تجمع نموده و دست به اعتراض
در صفحه ۲۶

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

حزب دموکرات . . .

از صفحه ۳۰

جنبش چه در میان سازمانهای انقلابی چه در داخل صفوف هر کدام از سازمانها شعله ور سازد و متأسفانه موضع برداشت بعضی از این سازمانها طوری است که رژیم را در انجام این هدف یاری می کند.

(تاکیدها از سازمان)
بسیار نوسان یافته تفسیر حزب دموکرات با این مقدمه وارد اصل مطلب شده می افزاید:

" برای نمونه اگر به حملات شدید کومله یا سازمان چریکهای فدائی اقلیت به شورای ملی مقاومت توجه شود در واقع این سوال مطرح می شود که آیا بر اساس این سازمانها دشمن اصلی خود یعنی رژیم را فراموش کرده اند و شورا را دشمن اصلی می دانند و اگر شورای ملی مقاومت ضحل شود مشکل بزرگ آنان حل خواهد شد . . .

انحلال شورا به نفع دشمن اصلی طرفین یعنی رژیم خمینی است یا نه ؟ " (تاکیدها از سازمان)

پس معلوم می شود " مشکل بزرگ خود حزب دموکرات چیست . و چرا این حملات شدید او را این چنین آزار می دهد . مشکل بزرگ حزب دموکرات در حقیقت دفاع از اختلاف بورژوا-رفریمیستی شورای ملی مقاومت در مقابل حملات شدید به این تنها آلترناتیو دموکراتیک ؟ است . که به هم حزب دموکرات انحلال آن به نفع رژیم است . و فقدان آن ضایع است . انگیزه برای جنبش ایران (یا طرفداران برنامه بورژوا-رفریمیستی آن) خواهد بود . و چون حزب دموکرات چنین فکر می کند هر نیاید هیچ گونه حمله ای چه رسد به " حملات شدید " به این " تنها " آلترناتیو بشود چنان به نفع رژیم تمام می شود و آثار اختلاف و تفرقه را دامن می زند .

ولسی دستان عزیز بسیار توده ها از کجا بفهمند مثلا

بین حفظ ماشین دولتی حاضر از جمله ارتش پلیس و دادگاهها و غیره که مورد علاقه شورای ملی مقاومت و جزو برنامه آن است و در هم شکستن چنین دستگاه سنگرانه ای که نقطه عنقست نیروی همچون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است چه تفاوتی است و چرا شورای ملی مقاومت بر حفظ ارتش و ارگانهای سرکوب نظم حاکم و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در هم شکستن آن تاکید می کند .
نمیکنند سازمان کردستان از کجا بفهمند تفاوت بین طرح خود مختاری شورای ملی مقاومت که ضامن هیچ گونه تغییر در وضعیت حاضر نیست با یک برنامه واقعا انقلابی - دموکراتیک و منتهی به ضامن اساسی جنبش کمونیستی خلق کرد چیست ؟ و هزاران اختلاف دیگر . یا حزب دموکرات فکر می کند توده ها علم غیب دارند تا بدون تبلیغات سیاسی در درون آنها ضامن دموکراتیک یا ضد-دموکراتیک این یا آن برنامه را بفهمند . یا اصولا مخالف با چنین ترفندی از سوی توده ها است که فقط در جریان آموزش عظیم و سیاسی آنها در جریان همین برخوردها امکانپذیر هست ؟

ولسی برخلاف حزب دموکرات ما عمقا " اعتقاد داریم که وجود و حضور برخوردهای حاد سیاسی بر سر اساسی ترین اصول برنامه ای جنبش نه تنها به نفع رژیم نیست ، بلکه دقیقا دلیل رشد و تمهیق یک جنبش و تضمین ضروری برای مداوم قدرتمند آتی آن است . چیزی که حزب دموکرات به اهمیت آن واقف نبوده و نیست و نمی تواند هم باشد . این امر را ادامه تفسیر حزب دموکرات ثابت می کند :

" از شورا گذشته اینسب دو سازمان آنچنان شدید هم دیگر را مورد حمله قرار می دهند درست مثل این که دو دشمن درینجه هستند . . . چه کسار امضایک و زشتی ! حقیقتا " صلال آور است انسان با سازمان های رصرو باشد که شنل دو دشمن هم دیگر را مورد حمله قرار دهند . البته فکر نکنید با توب و شماره اگر هم نشد ، با صسل و گالیبر و قلمه و غیره بلکه فقط با قسم و در عرصه برخوردهای سیاسی . . .

اما دستان کاش خیلسی ها

در جنبش کمونیستی کردستان حد و سرز نفع رژیم و نفع توده ها و صیزان و جایگاه برخوردهای خود را می دانستند و برهمه آشکار می ساختند که چگونه برخوردهایی و چرا به نفع رژیم است و چگونه برخوردهایی و چرا به نفع جنبش انقلابی خلق کرد و توده ها است .

اما حزب دموکرات در ادامه این تفسیر دوباره به مشکل بزرگ خود برگشته یک نکته دیگری از ضار وجود اختلافات را با مثال از " وضع سازمان ط می آورد که شامل روی آن خالی از لطف نیست :
" تاریخ ثابت کرده است که عامل شکست جنبشهای جهان وجود اختلاف و تفرقه بوده است . زیاد دور نرویم به وضع سازمان چریکهای فدائی خلق نگاه کنیم آیا عاملی که موجب . . .

پارچه پارچه شدن این سازمان گردیده است وجود اختلاف داخلی خودشان نبوده است ؟ و آیا وجود اختلافها و تشابهها به به سود رژیم نیست ؟ (تاکیدها از سازمان)

ولسی دستان عزیز دموکرات تنها وجود اختلاف باعث شکست نیست این چگونگی برخورد به اختلاف است که می تواند ضربه همه چیز گردد حتی شکست . اما اینکه اختلاف باعث انشعاب این یا آن نیرو گردد امری نیست که ضربه به " وضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران باشد . در مورد " وضع خود حزب دموکرات هم صادق بوده است ولی این که شما تلاش دارید در این کشور هماویان (بوسه) شورای ملی و غیره مهم شده و یا " تألف " از " وضع " پارچه پارچه و " انشعابها در نتیجه اختلافات سخن بگویند . فکر نمی کنید دلیل دیگری بجز ظاهر بزرگمنشانه آن دارد و آیا این اظهار نظر شما نیز به همراه هم جریسان های بورژوازی و خسروم بورژوازی درون و بیرون شورا و در رأس همه آنها مجاهدین خلق ، صمی در مخدوش نشان دادن چهره همین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را ندانید ؟

اما جای شکرش باقی است که حزب دموکرات همچون ضد خود در شورا و متن اصلی اینس اختلاف بورژوا-رفریمیستی از برخوردهای ما با شورا مستقیما " ضد انقلابی " و " مشکوک " بودن در صفحه ۲۱

سیاست سرپازگیری

از صفحه ۲۴

می زنند. مزدوران رژیم می گویند: اگر سرپاز ندهید... به شما کوشن نمی دهیم. مردم در جواب این تهدید می گویند: اگر هم بصیرم سرپاز ندهیم...

بدینال این اقدامات در روستاهای بهاران، خواست، هرمین، تیاو نیز ۹ نفر از اهالی خواست و هرمین دستگیر می شوند، که جبت اصرار به

سرپازی به پایگاه آموزش سرور آباد فرستاده می شوند، که آنها با مقاومت خود موفق به فرار از جنگ مزدوران می گردند.

تصای این نمونه ها، بیانگر آن است که رژیم به هر طریقی ممکن در مردم پیشبرد سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه خود است. و توده های زحمتکش و انقلابی خلق کرد نیز همانطور که هر طری پنج سال گذشته آشکار ساخته، هم چنان با مقاومت همه جانبه خود در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، بر آرمانهای حق و عادلانه و انقلابی خود پای می نهند و هر چه چینی حتی قبل ام ها و خصمها و توی

بازانبای مداوم و استقرار مدها و هزاران پایگاه نیز توانسته است خللی در اراده پولادین آنها، حتی بر کسب حق تعیین سرنوشت خویش وارد نازد. اراده ای که قدرت واقعی آن در اتحاد و یکپارچگی بیرونی آن است. یکوشیم برای درهم شکستن رژیم جمهوری اسلامی و تصاحب سیاست های سرکوبگرانه و ارتجاعی آن، این اراده را هر چه متحد تر و یکپارچه تر نموده و مقاومت سرسری در گوردستان انقلابی را نه تنها علیه سرپازگیری اجباری بلکه کلیه سیاست های رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگ آن، سازمان دهیم.

از صفحه ۲۵ حزب دمکرات

سازمان ما را نتیجه گرفته و با از طریق پارچه پارچه نشان دادن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مستقیماً به فکر

تاسیس یک سازمان فدائی دست نشانده از طریق جذب عناصر مطرود و وضعت نه تنها از نقطه نظر ابتدائی ترین پرنسپ های مورد انتقاد مردم عادی نیز، نیافتاده است. هر چند او نیز هر از چندگاهی شش بر این طبل حواله می کند، تیا لولوسی پارچه پارچه شدن را به پرچم تبلیغاتی خود در قبال سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدل کید و چهره آن را با دست پازیدن به چنین خس و خاشاکی آتش نشان دهد.

آینام حزب

از صفحه ۲۳

به روند عینی یک حرکت معین اجتماعی و خودپایخ سخ شده و خاصی به یک ضرورت عملی و عینی جنبش کوشی است. همانطور که حزب کومه له از سرشت معین طبقاتی خاص خود در تصای عرصه ها برخوردار است، شیوه برخورد کومه له با سائل جنبش نیز، از سرشت

شیوه حزب او جدا نیست. ما در شماره آینده و در ادامه همین بحث با بررسی یکی از آخرین نمونه های برخورد کومه له با سائل، روی این واقعیت که حزب برای کومه له از چه جایگاه عینی برخوردار است و شیوه برخورد کومه له با حزب چگونه است و حزب او محمول چه عواملی و چه نیازهای عینی است، بحث بیشتر خواهیم داشت. و روشن خواهیم ساخت که چرا حزب کومه له حاشیه نشین جنبش کوشی در تصای زمینه ها و ضرر بی قید و شرط سائل به شیوه های وارونه و در هم و آشفته است.

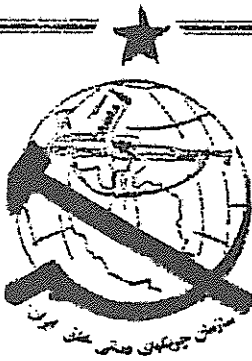
ادامه دارد

گزارش هیات

از صفحه ۱۷

حزب دمکرات نیز در همین تکیه بر اقدامات مشترک هیات مشترک و قول و قرارهای نهمابین در جواب کومه له بازم با تاکید بر صوه پانجم خود حتی بر سرسری نمودن جنگ با کومه له به معنی سرگیری در یک نقطه کومه له را پامسنگ می گوید. حال با این دو برخورد چگونه می باید برخورد نمود و وظیفه جنبش انقلابی و سازمانهای انقلابی چیست؟

بدین تردید باید گفت: جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و تصای احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکرات باید از هیچ اقدام ضرور و لازمی در زمینه جلوگیری از چنین درگیریهایی و تکرار فاجعه بارتر از پیش آنها، فروگذار نکند و با تمام نیرو توان و امکانات خود به مقابله با سیاست های که امروز بیان خود را نه در مقابله هر چه ضحتر با رژیم جمهوری اسلامی بلکه در روبرویی و ایجاد اشتقاق و تشتت در صفوف سربین جنبش بازمی یابند، برخاسته به انشای چهره واقعی آنها بپردازند و راه حل واقعی و اصولی و قطعی پیمان دادن به چنین خصمانی را به هر دو نیرو تحمیل نمایند.



سربازان، درجه داران، پرسنل انقلابی!

رژیم جمهوری اسلامی، در کردستان انقلابی هدفی جز سرکوب توده های محروم و زحمتکش خلق کرد، و اعمال حاکمیت ضد انقلابی خود بر آنها ندارد، رژیم جمهوری اسلامی در صدد احیا و تثبیت وضعیت فلاکتناشی از ستم ملی و استعمار آن یعنی بی حتی عیسی تودها در کردستان، فقر و فلاکت اقتصادی و عقب ماندگی اجتماعی است،

رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای آن در کردستان که عدتاً به توپ باران و خمپاره باران مناطق مسکونی نازکران و زحمتکشان ملیت کرد در شهر و روستا و یورشهای نظامی به مناطق مختلف و تعقیب و آزار توده های مردم و دستگیری و کشتار و اعدام فرزندان انقلابی خلق کرد، حلاصه می گردد، هم چنانکه تجربه بیش از پنج سال گذشته آشکار ساخته است، در مقابل اراده استوار و آهنین خلق کرد محکوم به شکست و نابودی است.

سربازان، درجه داران، پرسنل انقلابی!

با تبلیغ اهداف انقلابی - دمکراتیک مبارزه قهرمانانه خلق کرد مبنی بر کسب حق تعیین سرنوشت، و افشای چهره سفیر رژیم جمهوری اسلامی و جنایات بی شمار آن در کردستان، به مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی آن برخاسته، و با تمامی وجود و امکانات خود از تحقق اهداف ارتجاعی رژیم در کردستان جلوگیری نمائید، از کشتار توده های زحمتکش خلق کرد و ویرانی خانه و کاشانه آنها خودداری نموده، سلاحهای خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی برگردانید!

پیروز باد مبارزه انقلابی دمکراتیک خلق کرد

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اخباری از جنبش مقاومت توده‌ای

«ما املحه رژیم را برنمی‌داریم!»

اطراف به نام «ایپینگ» که مرکز جمع نیروهای رژیم می‌باشد به حرکت درمی‌آیند.

اهالی معتقدند رژیم توده‌ای «سالیان» به مزدوران می‌گیند: «ما املحه رژیم را برنمی‌داریم و حاضریم بنگهبانی نیتیم. اهالی بعد از مواجه شدن با برخورد مزدوران ضلع رژیم تصمیم می‌گیرند برای ادامه اعتراض خود به شهر سنندج رفته و در آنجا نیز نفرت خود را از سیاستهای ارتجاعی رژیم نمایان سازند.

در تاریخ ۱۴/۱۰/۳۳ برای چندمین بار پاداران مزدور به روستای «سالیان» در منطقه سروان یورش می‌آورند. آنان طبق فادت همگی خود، با کتک کاری و فحاشی به آذیت و آزار اهالی می‌پردازند و از آنها می‌خواهند تا صلح شوند و باصطلاح برای اضیت روستا ننگبانی دهند. مردم روستا بطور یکپارچه از تن دادن به این خواست مزدوران سرباز می‌زنند و ضمن مخالفت برای ابراز اعتراض خود به یکی از روستاهای

زحمتگان روستای «گندمان» جدا به مقابله با یورش رژیم برخاستند!

خشمگین جند را با خود به داخل مسجد حمل کرده و در آنجا تجمع می‌نمایند. مزدوران با محاصره مسجد اسلام می‌کنند که اگر اهالی مسجد را تخلیه نکنند آنان را به گلوله خواهند بست، مزدوران با یورش به خانه‌ها و تفتیش و بازرسی تلاش می‌کنند زنی را بزور به شهر ببرند. زحمتگان جدا برای صانمت از این کار مزدوران به مقابله با آنان برمی‌خیزند و صوفی می‌گردند آن زن را از چنگ مزدوران نجات داده و آنان را از روستا بیرون می‌نمایند.

مزدوران جنایتکار رژیم طی یورشهایی در ۱۴/۱۰/۳۳ به روستای «گندمان» از منطقه رطب، اهالی آن روستا را مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌دهند. اهالی روستا با این کار مزدوران جدای اعتراض خود را بلند می‌کنند. ولی مزدوران بی‌توجه به اعتراض اهالی به جولانگری در روستا، فحاشی و کتک کاری خود ادامه می‌دهند. در اثر این افسال جنایتکارانه مزدوران، صربی بنام «فقی عمر» به تصادفات می‌رسد و جسد بی‌جانش به خاک می‌افتد. مردم

آمده، دسته دیگری از جنایتکاران صرفاً به گروه ضربت می‌آید. راضی معرفی می‌کنند. مردم زحمتگان در پاسخ می‌گویند: «شما با یکدیگر صوفی ندارید و همگی جنایتکارید.»

در روستای «قولنجه» نیز مزدوران زودنفر از اهالی را دستگیر کرده و به پایگاه خود برده بودند که در مقابل اعتراض ضحدهانه و یکپارچه مردم این روستا، هر دو نفر را آزاد می‌کنند.

سراض می‌زنند. اهالی روستای قادریاد برای دفاع از حقوق خود، انروز و روز بعد بطور دسته‌جمعی به پایگاه مزدوران می‌روند و به رفتن نیروهای سرکمر رژیم در روستا، اعتراض می‌نمایند. مزدوران رژیم برای خلاصی خود از دست مردم به خشم

مهاجران

در تاریخ ۲۵/۹/۳۳ روستاهای «قولنجه» توسط مزدوران رژیم مورد حمله قرار می‌گیرد. مردم که حاضر به تن دادن به زور و شتم رژیم نمی‌باشند، در مقابل مزدوران دست به

کمک مالی رسیده

فوقالعظمی ۱۳

۲۸۰۰۰۰ ریال



توضیح و توضیح:

در شماره قبیل (شماره ۲۴) در چاپ مقاله «کومه له مدافع نامیوتالیسم یا کمونیسم» در صفحه ۷ ستون سوم بین صطر ۶ و ۷ این عبارت جا افتاده است: «هیچ معنای معین طبقاتی را ندارد» نیست و تنها از زاویه «فرا طبقاتی» و نیز در ضاله «بسی تشکیلات حزب طبقه کارگر علیه بی‌حزبی صفعه» ۲۴ صطر اول زیرنویس بعد از کلمه «دیکتاتوری کلمه» در کراسی جا افتاده است که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

تدارکاتی و انسانی به پیشمرگان حمله کند و در یک جنگه جبهه‌ای با آنها درگیر شود. امروز پیشمرگان قهرمان کردستان، در یک صلبه عطیات پارتیزانی مزدوران رژیم را در تمامی شهرها و روستاها، در معرض حطات مداوم خود قرار داده‌اند. هیچ جای اضی برای مزدوران وجود ندارد. تمام جاده‌ها، شهرها، روستاها و کوهپای سراسر کردستان، مراکز عطیاتی پیشمرگان علیه رژیم است. پیشمرگانی که برق آما ظاهر می‌گردند و مزدوران رژیم را در معرض ضربات خرد کننده خود قرار می‌دهند. در صفحه ۲۹

گسترش تاکتیکهای...

می‌جنگد، مایتم در مقابل او پایتیب با تاکتیک قوی‌تر از همیشه در سیرد باسیم. ما باید ابتکار عمل را از این دشمن بگیریم و او را در نا اظی نگهش داریم. او در حقیقت در همین حملات کوتاه، صوفیت و تاکتیکهای پیشمرگان و ضعف و زبونی مزدوران رژیم را بیان کرد. اکنون دیگر ضتیب است که در جنگ انقلابی مردم کردستان مرحله جدیدی فرا رسیده است. مرحله‌ای که دشمن دیگر قادر نیست با امکانات عظیم نظامی،

باز منتهی ۱۸

تکمیل شدن تاکتیکهای ...
پدافندهای گسترده را به
سازمان مزدوران را با پیشرفته ترین
سلاحها، به خدمت گرفته است. اما
پیشمرگان در هر لحظه که آماده
گفتند، مراکز آنها را در قسب
شهرها درهم می کوبند، تعدادی
از مزدوران را به هلاکت می رسانند
تعدادی را اسیر می کنند و
ضابطی صلاح و مهمات را به
قیمت می گیرند.

رژیم در تمام جاده های
کردستان، قدم به قدم مزدوران
تأمین خود را مستقر ساخته است،
اما پیشمرگان مداوماً در جاده ها
حضور می یابند، مزدوران تأمین
را به هلاکت می رسانند و جاده ها
را تحت کنترل خود در می آورند.
رژیم در مناطق روستایی،
پایگاههای متعدد نظامی ایجاد
کرده است که مجهز به انواع
سلاحهای پیشرفته اند. اما
پیشمرگان مداوماً مزدوران رژیم
را در همین پایگاهها، مورد
حمله قرار می دهند.
هیچ جای ارضی در کردستان
برای مزدوران رژیم وجود ندارد.
در همه جا، پیشمرگان حضور
دارند و در هیچجا مزدوران

رژیم را در معرض حملات مداوم
خود، قرار می دهند.

در یک گلام، پیشمرگان زمان
و مکان حمله را به دلخواه خود
تعیین می کنند، در هر کجا که
لازم بدانند بر دشمن پیورش
می برند، او را غافلگیر می کنند و
ضربات مرگباری بر پیکر او وارد
می آورند. ابتدا عمل در همه
جا در دست پیشمرگان است.
این همان تاکتیکهای پیشرفته ای
است که مزدوران رژیم را به هراس
انگیزنده است و صیاد شیرازی،
افسر شاهنشاهی و یکی از جلادان
معروف خلق کرد را واهی دارد
که در پی یافتن تاکتیکهای
جدیدی برای مقابله با آنها باشد.

اما چیزی که این مزدور
نمی تواند درک کند، پیوند این
تاکتیکها با ماهیت انقلابی جنگ
مردم کردستان است. او نمی تواند
درک کند که در یک جنگ انقلابی،
با اتکا به همین تاکتیکها، چگونه
خلیج کوچک بر دشمنی نیرومند
چیره می شود. از این رو تلاشهای
جدید مزدوران برای انحصار
تاکتیکها و تدابیر جدید علیه
پیشمرگان، همانند گذشته با
شکست روبرو خواهد شد و بارز
قهرمانان مردم کردستان تا
پسروزی ادامه خواهد یافت.

نگاهی به مجموعه عملیاتی
یک ماهه گذشته، شاهد این
صداقت. در طول یک ماه گذشته
پیشمرگان قهرمان خلق کرد در

۳۱ مورد، در مسیر رفت و آمد
مزدوران رژیم مین گذاری
کرده، در ۲۷ مورد به کنترل
جاده ها دست زده و در مسیر
مزدوران رژیم به کسین نشسته اند
در ۲۱ مورد به مقابله با پیورش
مزدوران از پرداخته، در ۲۱
مورد ضمن حمله به مراکز
مهم رژیم در شهرهای مختلف،
از جمله شهر اشویه، صلحاس،
دیواندره، سروان و ... پیش از
۱۰۶۶ تن از مزدوران را کشته
و مروح ساخته اند. در ۳۸ مورد
حمله به پایگاههای رژیم، پایگاه
روستاهای میسی بن در سروان
و امیرآباد نزدیک بیجار را
خلع سلاح و تأسیسات رژیم را به
آتش کشیده اند و در طی یک
عملیات بی دریغ و قهرمانانه،

تنها در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶
دی ماه ۱۳۶۳، ضمن کنترل
جاده صلحاس - تهران، مراکز
مزدوران رژیم در داخل شهر
را به آتش کشیده اند و تنها
در طول این عملیات پیشمرگان
قهرمانانده بیش از ۱۰ نفر از
مزدوران را به هلاکت رسانده اند.
و در مورد دیگر با پیوسته
استقرار کامل رژیم در شهر
سروان، پیشمرگان عملیات
صیقل آمیزی را در این شهر
به انجام رسانده اند و در همه
حماسه دیگر نیز در صلحاس
کردستان آفریده اند که جدول
زیر نمودار گامی از همه
انهاست.

اهدای پیشمرکه	۳۶
احالی سی دفاع	۲۸

عملیات پیشمرکه

کسین و کنترل جاده	۴۷
مین گذاری	۳۱
مقابله در برابر پیورش رژیم	۲۱
حمله به مراکز رژیم در شهرها	۲۹
خلع سلاح بارگاه	۲
مصادره و اسد ام بسیا	۴
حمله به پایگاهها	۳۸
جمع	۱۶۴

تلفات دشمن

کشته وزخمی	۱۰۶۶
اسرای دشمن	۲۹
خودرو منهدم یا مصادره شده	۵۹
سلاحهای منهدم شده	—
مهمات منهدم شده	—

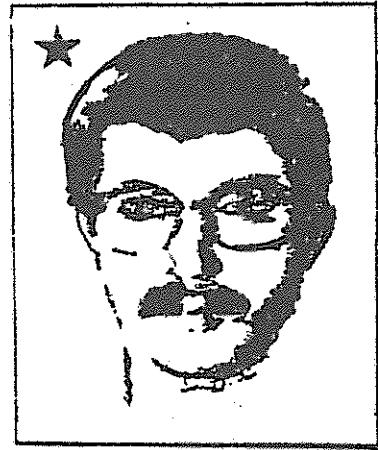
آمار این جدول صدتایی از
اخیر راهپوهای حزب دمکرات
و کومه له برگرفته شده است.
۲۷ آذر تا ۲۷ دی ماه

غنائم بدست آمده

جنگ افزار انفرادی	۱۸۹
انواع نارنجک	۲۵۴
سیسم	۱۱
انواع فشک	۳۴۲۰۰
خشاب	۲۴۸
سنگ آفراسین و سیمینگین	۱۶
کلوله اسلحه منگین و نیمه منگین	۳۰
بیوستن فریب خوردگان	۵

سازمان و ثوبی بیرونده و دی شور نشگیرانده ی گه لی کورد

سومین سالگرد شهادت رفیق سیدسید تقی میری



پیشمرگه آگاه فدایی و یکی از ارزنده ترین رفقای تشکیلات سازمان در جنوب کردستان که در عطیات بهروز ضد کمین - گذاری پیشمرگان فدایی در ۲ - کیلوسوی فرودگاه منندج، پس از ساعتها نبرد روبروی، اتهدام و هاداره چند دستگاه خودرو و شماری سلاح و مهمات و به هلاکت رسانیدن بیژن از ۲۵ تن از مزدوران، در آخرین لحظات پایانی درگیری، اصاح گلوله مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت و خون سرخش زمین بارور کردستان را گلگون ساخت، گرامی بساد!

پرخیزی مارحیضات

حزب دمکرات و مشکل بزرگ او

اخیراً حزب دمکرات کردستان ایران بعد از مدتها سکوت در مورد برخورد های مختلف با شورای طی مقاومت پنجمی به دفاع از این ائتلاف بسوزوزا - رفرمیستی برخاسته است و در همین حال شراحتی خود از وجود مبارزه سیاسی حاد در درون جنبش را بنحی آشکار ساخته است که ما برای اطلاع خوانندگان از کم و کیف آن فرصت هائی از آنرا در زیر می آوریم:

حزب دمکرات در نظیر سیاسی روز ۱۰/۱۰/۶۳ صدای کردستان بعد از صحبت بهرامون تلاش های رژیم برای ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلابی در جنبش می گوید:

رژیم صمی می کند آتش اختلاف و تفرقه را در درون در صفحه ۲۵

صدای فدائی

صح کوتاه ردیفهای ۶۵ و ۷۵ ضر ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵ روز جمعه

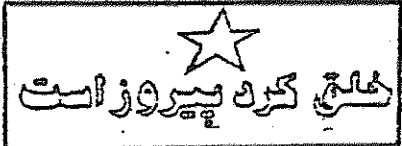
سیاست سرمازگیری رژیم و

تداوم مقاومت توده های

در زیر ضربات خرد کننده پیشمرگان دلیر کردستان قرار دارد و علیرغم تمامی تلاشهای خود نتوانسته است با مصرف بیشترین نیرو و امکانات و تملیحات صرفت چندانی بدست آورد، برای جبران و تلاقی شکستهای متخضمانه اش در این زمینه، به روستاها و مردم بی دفاع یورش آورده، آنان را به شیوه های مختلف مورد تضحیات زور و آزار و فشار قرار داده است. مزدوران رژیم مردم را به رگبار می بندند، شکنجه و

سیاست سرمازگیری اجباری یکی از سیاست های ارتجانی رژیم جمهوری اسلامی، که از مدتها پیش در کردستان قهرمان در پیش گرفته شده است، و در مقابل با اراده قدرتمند توده های زحمتکش خلق کرد، با شکست متخضمانه ای روبرو گشته است. اما رژیم از پای ننشسته و همچنان سعی در اجرای آن دارد و از طریق سرکوب و دستگیری و شکنجه و زندان به ارضاب مردم می پردازد.

رژیم جمهوری اسلامی که



دربى گسترش داده ضربات پیشمرگان قهرمان کردستان بهر بگر مزدوران رژیم، در هفته های اخیر، بهر در شمال کردستان و مناطق دیگر، فرطاً به مزدور نیروی زحمتی ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی، سرهنگ صیاد

گسترش تاکتیکهای تعرضی پیشمرگان

مزدوران را به هرراس افکننده است

سرگرم، با تصرف ضعیف به شکستها و ضرباتی که از سوی پیشمرگان بر مزدوران رژیم وارد آمده است، گفت: دشمن با تاکتیکهای مختلف

شهرانی برای بررسی وضعیت نظامی منطقه و اتخاذ تدابیر تازه وارد منندج شد. اوطسی سخنانی در جمع نمای مزدوران سرکوبگر رژیم، فرماندهان ارتش، باصدا، وانداز صری و مرتجعین

در صفحه ۲۸